

پاسخ به

۴۰ پرسش

کودکان و نوجوانان

درباره امام مهدی علیه السلام



بچسٹ بیرسٹر و یاسخ کودکان و نوجوانان
دربارہ امام مہدیؑ

محمد یوسفیان



سرشناسه	: یوسفیان، محمد، ۱۳۳۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: بیست پرسش و پاسخ کودکان و نوجوانان درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف / محمد یوسفیان
مشخصات نشر	: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی امامت و مهدویت، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۸۸-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. -- پرسش‌ها و پاسخ‌ها
تئاسه افزوده	: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی امامت و مهدویت
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۲/۲۲۲/۳۵۲ ی ۶ ب ۶
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۳۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۱۶۷۳۳۳



بیست پرسش و پاسخ کودکان و نوجوانان درباره امام مهدی (عج)

- مؤلف: محمد یوسفیان
- ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)
- مجری: موسسه خیریه فرهنگی عصر انتظار موعود
- نوبت چاپ: هشتم / زمستان ۱۳۹۹
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۸۸-۸
- شمار
- قیمت: ۲۰۰۰۰۰
- مرکز: ۰۹۳۶۰۶۴

تمامی حقوق © محفوظ است.

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهید / کوچه آمار (۲۲) / پست شهید علیان / ص.پ: ۱۱۹-۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / (فروش) ۳۷۸۴۱۱۳۰ / (مدیریت) ۳۷۸۴۱۱۳۱ / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۲۱۷۳
- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) / تلفن: ۸۱۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۱۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵
- قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) استان قم، خیابان انقلاب، کوچه ۵۵ فرعی ۹، پلاک ۱۰۹، ص.پ: ۳۷۱۳۵۱۱۳۵
- www.mahdi313.com



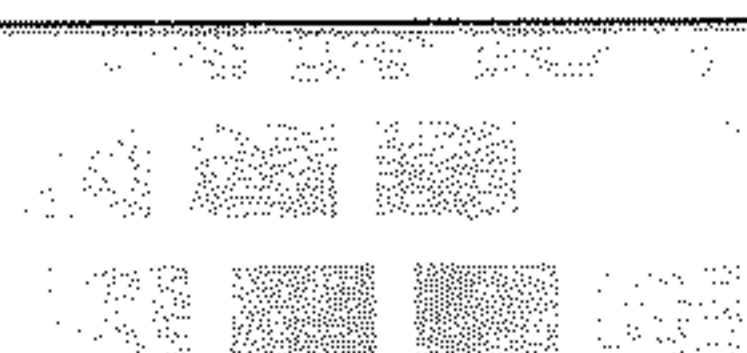
تقدیم به:

برادر شهیدم که واقعاً عاشق امام زمان  بود.



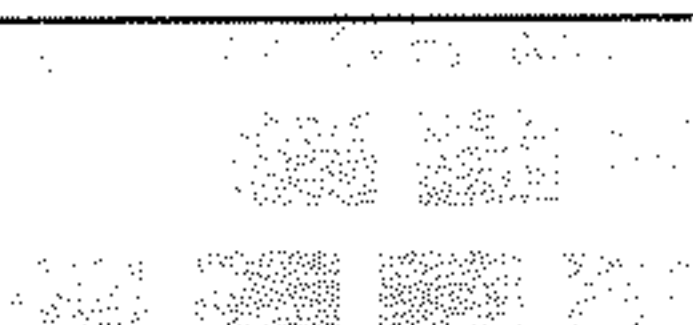
فهرست مطالب

- سخنی با مربیان و معلمان و والدین ۷
۱. آیا ما به امام و راهنما نیاز داریم؟ ۱۹
۲. چرا امام زمان علیه السلام مخفیانه به دنیا آمدند؟ ۲۴
۳. شنیده ام امام زمان علیه السلام در پنج سالگی به امامت رسیده اند، چگونه ممکن است کسی در پنج سالگی امام شود؟ ۲۶
۴. چرا امام زمان علیه السلام غایب شد؟ ۲۸
۵. چگونه می‌توانم از امام زمان علیه السلام در حالی که غایب است، استفاده ببرم؟ ۳۰
۶. بهترین کار در زمان غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟ ۳۲
۷. چگونه امام زمان علیه السلام عمری هزار ساله دارند؟ ۳۴
۸. چرا دشمنان قصد کشتن امام زمان علیه السلام را دارند؟ ۳۷
۹. چه کاری‌هایی امام زمان علیه السلام را خوشحال می‌کند؟ ۴۱
۱۰. وقتی کار خوبی انجام می‌دهم، چگونه امام زمان علیه السلام می‌بیند و برایم دعا می‌کند؟ ۴۴
۱۱. اگر کسی کاری کرد که امام زمان علیه السلام ناراحت شد، آیا دیگر حضرت به او نگاه نمی‌کنند و پاسخ او را نمی‌دهند؟ ۴۶





۱۲. من از کجا بفهمم دوست امام زمان عجل الله تعالی فرجه هستم و او نیز مرا دوست دارد؟ ... ۴۸
۱۳. اگر کسی را که امام زمان عجل الله تعالی فرجه را دوست دارد، خوشحال کنم، آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه خوشحال می‌شوند؟ ۵۱
۱۴. آیا من می‌توانم از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشم؟ ۵۳
۱۵. آیا هر روز باید به یاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه باشیم یا فقط جمعه‌ها؟ ۵۵
۱۶. چرا بعضی‌ها به حرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه گوش نمی‌دهند؟ ۵۷
۱۷. چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه تا کنون ظهور نکرده است؟ ۵۹
۱۸. آیا ممکن است کسی امام زمان عجل الله تعالی فرجه را دوست نداشته باشد و از ظهور او ناراحت شود؟ ۶۱
۱۹. خیلی دوست دارم امام زمان عجل الله تعالی فرجه ظهور کنند، آیا خود آن حضرت عجل الله تعالی فرجه نیز دوست دارند ظهور کنند؟ ۶۳
۲۰. برنامه های امام زمان عجل الله تعالی فرجه هنگام ظهور چیست و چه کارهایی انجام می‌دهند؟ ۶۶
- پرسش‌های سه گزینه‌ای ۶۹



سخنی با مرییان و معلمان و والدین

نتیجه تربیت دینی صحیح نوجوان، اعتقاد قلبی عمیق او به آموزه‌های دینی است. هر قدر تربیت دینی قوی تر بوده، و به اصطلاح روان شناسان درونی شده باشد، دین‌داری فرد نیز پایداری بیشتری خواهد داشت. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

«ثَبَاتُ الدِّينِ بِقُوَّةِ الْيَقِينِ؛^۱ پایداری در دین به قوت یقین است.»

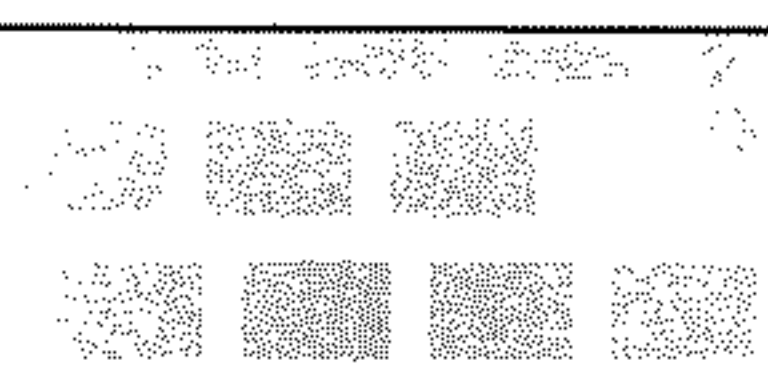
همچنین آن حضرت می‌فرماید:

«بِالْيَقِينِ تَتِمُّ الْعِبَادَةُ؛^۲ عبادت، با یقین کمال می‌یابد.»

نکته مهم این است که یقین، چیزی غیر از علم (شناخت) محض است؛ از این رو، نباید آن را با معلومات دینی و انباشتن آنها در ذهن یکسان دانست. حفظ کردن و به خاطر سپردن امور و آگاهی از آنها هیچ گاه به معنای یقین به آنها نیست. یقین، مرتبه‌ای از معرفت است که به شدت با عمل و احساس، پیوند دارد؛ چه با وجود یقین است که شک از قلب و روح آدمی رخت برمی‌بندد. با این بیان، جای تعجب نیست که کسی عالم دین باشد، اما این علوم در عمل و احساس او بروز نیابد و در هنگامه‌های خطیر، تردید او را فرا گیرد.

۱. غررالحکم، ج ۳، ص ۳۵۰.

۲. همان، ص ۲۰۱.





پرسش‌گری از آغاز آفرینش انسان، به عنوان راهی برای رسیدن به یقین بوده و هست. امام علی علیه السلام چه زیبا می‌فرماید:

«مَنْ أَحْسَنَ السُّؤَالَ عِلْمٌ»^۱ و «مَنْ عِلِمَ أَحْسَنَ السُّؤَالَ»^۲

«آن که پرسش نیکو کند آگاه می‌شود» و «آن که آگاه است پرسش نیکو کند»
به هر روی پاسخ‌گویی مستدل و هنرمندانه به پرسش‌های دینی دانش‌آموزان و نوجوانان، کارکردهای زیر را در پی دارد:

۱. زدودن غبار مهجوریت از سیمای مهدویت در عرصه فهم و باور دانش‌آموزان؛
۲. تجهیز نوجوانان مهدی‌باور در جهت رویارویی با تهدیدها از سوی ادیان و مکتب‌های رقیب؛

۳. اصلاح انحراف‌ها و انحطاط‌های ظاهر شده در رویکرد به آموزه مهدویت در میان نوجوانان و دانش‌آموزان.

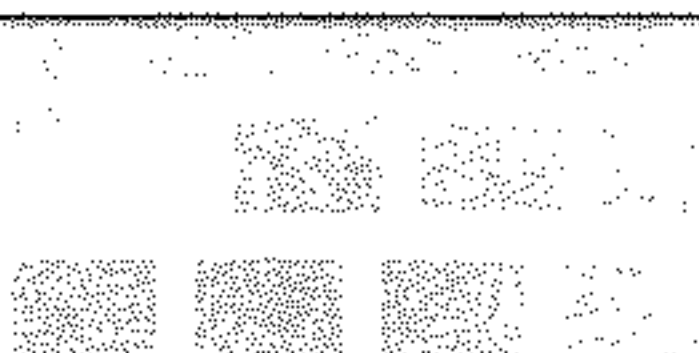
آنچه مهم به نظر می‌رسد توجه به بایسته‌های پاسخ‌گویی به پرسش‌های مهدوی کودکان و نوجوانان است که به شما خوانندگان عزیز تقدیم می‌شود:

بایسته‌های پاسخ‌گویی به پرسش‌های مهدوی کودکان و نوجوانان

۱. رعایت اصل تدریج و پرهیز از شتاب زدگی در تبیین معارف مهدوی
فرایند فهم و درک معارف دینی، فرایندی مستمر و تدریجی است و نمی‌توان بدون در نظر داشتن موقعیت مناسب، برنامه معرفتی خاصی را به صورت شتاب زده به مرحله اجرا درآورد. این امر، نه تنها در مورد کودکان، که درباره بزرگ سالان نیز صادق است.

۱. عیون الحکمه و المواعظ، ص ۴۲۴.

۲. همان، ص ۴۲۴.

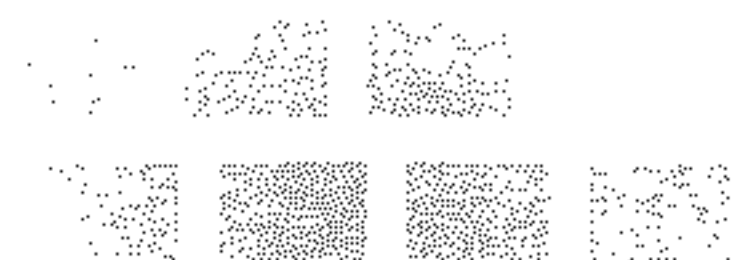


همچنین این مسئله، نه تنها در مورد انسان‌های عادی، بلکه در تربیت اولیای الهی نیز رعایت شده است... حتی خداوند متعال رسول گرامی خود را از عجله در هنگام دریافت وحی باز می‌داشت، هر چند رسول خدا ﷺ به دلیل عشق و علاقه زیاد و با این انگیزه مقدس، به هنگام نزول وحی، شور مخصوصی داشت که سبب می‌شد برای دریافت وحی عجله کند، ولی چون نفس عجله کردن، گاه موجب بروز مشکلاتی می‌شود، خداوند به پیامبرش فرمود: «وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ»؛ پیش از آنکه وحی قرآن تمام شود، نسبت به آن عجله مکن.

همچنین خداوند متعال، آنجا که در تربیت اخلاقی مسلمانان می‌خواهد آنان را از شراب خواری و قماربازی منع کند، بدون شتاب زدگی و با نازل کردن آیات قرآن در چند مرحله، به تدریج آنان را با احکام شرعی شراب و قمار، آشنا کرده و به عمل به این احکام ترغیب می‌کند.

بنابراین، اگر به کودکان و نوجوانان اجازه دهیم که برای کشف یک مطلب پیچیده، وقت صرف کنند، به رشد فکری آنان بیشتر کمک کرده‌ایم تا اینکه همان مطلب را در مدت زمان کوتاهی به آنان بیاموزیم این سرعت شتاب زاء، نه تنها در یادگیری معنادار و تربیت درونی کمکی نمی‌کند، بلکه خود موجب کندی یا توقف نیز می‌گردد.

یکی از صاحب نظران امر تربیت در این باره می‌نویسد: «این مسئله را از گنجشک بیاموزید، بچه گنجشک وقتی پر درمی آورد، همان روز نمی‌پرد، بلکه مادر، او را به تدریج آموزش پرواز می‌دهد. در مرحله اول او را به اندازه یک متر به پرواز درمی‌آورد، دوباره خود می‌پرد پایین. باز مادر دو متر پایین‌تر می‌پرد. باز جوجه تلاش می‌کند که خود را به مادر برساند. به این صورت، گام به گام مهارت پرواز را به دست می‌آورد.»



البته یادآوری این نکته لازم است که نباید موضوع تدریج و پرهیز از شتاب زدگی در تبیین معارف دینی را با کندی و از دست دادن فرصت‌ها خلط کرد. سرعت در تربیت به این معناست که مراحل تربیتی را، که با علم و کارشناسی تعیین شده‌اند، بدون از دست دادن وقت به اجرا درآوریم و فرصت‌ها را هدر ندهیم. امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی کوتاه مالک اشتر را از افتادن در ورطه عجله یا کندی و از دست دادن فرصت‌ها بازداشته و به پیمودن طریق وسط و سرعت بدون شتاب زدگی توصیه فرموده‌اند: «از عجله در مورد کارهایی که وقتشان نرسیده، یا سستی در کارهایی که امکان عمل آن فراهم شده برحذر باش.»^۱

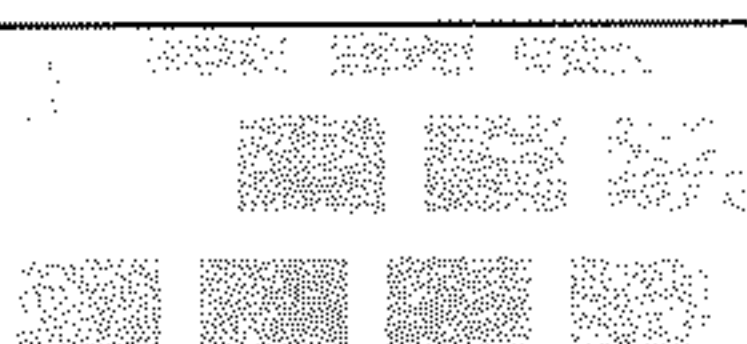
در پاسخ به پرسش‌های مهدوی دانش‌آموزان، توجه به اصل تدریج، حیاتی است. انتظاری نابه‌جاست که بخواهیم معارف غنی مهدوی را در پاسخ یک یا چند پرسش دانش‌آموزان تبیین کنیم.

۲. پاسخ‌دهی به همراه تبیین موضوع

به همان میزان که اکراه، اجبار، تحکم و تحمیل، بی‌رغبتی و گریز دانش‌آموزان را در پی دارد، تبیین موضوع و روشن‌گری نسبت به دلیل و فلسفه آن، رغبت و علاقه او را به محتوا و پیام معارف مهدوی به دنبال خواهد داشت. آنگاه که دانش‌آموز از علت و دلیل مسئله‌ای آگاه نیست، آن را غیر علمی دانسته و به گونه‌ای از زیر بار آن شانه خالی می‌کند، ولی آنگاه که به حکمت و اسرار آن پی می‌برد، بدون نیاز به تأکید و الزام، آن را می‌پذیرد.

در قرآن کریم موضوع تبیین و روشن‌گری از چنان جایگاه تربیتی برخوردار است که

۱. نهج البلاغه، نامه ۵۳. و اَيَاكَ وَ الْعَجَلَةَ بِالْأُمُورِ قَبْلَ أَوَانِهَا، أَوْ التَّسَقُّطَ فِيهَا عِنْدَ امْكَانِهَا.



خداوند متعال در آیات متعددی، تبیین آیات را زمینه‌ای برای ایجاد تقوا، تفکر، تذکر، تعقل، تشکر و هدایت معرفی کرده است. همچنین موضوع تبیین علل و روشن‌گری از چنان جایگاهی در نظام اسلام برخوردار است که محدث بزرگوار شیخ صدوق، کتابی قطور مشتمل بر روایات مربوط به علل احکام و وظایف دینی نوشته است. در تبیین معارف دینی برای نسل کنونی نیز اگر به جای تحکم و اجبار در پذیرش یک مسئله معرفتی، به تبیین دقیق موضوع و علل و پیامدهای آن پرداخته شود، به جای ابتلا به عوارض آموزش تحمیلی، از نتایج ارزشمند معرفت خودجوش، درونی، ریشه دار و غیر وابسته به عوامل بیرونی، بهره‌مند خواهیم شد.

۳. تکرار متنوع و دلنشین پاسخ

تکرار مطلب، عامل مهمی در یادگیری و عمل به مقتضای آن است. بر همین اساس، یکی از شیوه‌های مرسوم در آموزش، شیوه تکرار است. امام خمینی رحمه الله در تشریح دلیل تکرار قصه‌های قرآن می‌فرماید: «اینکه قصص قرآنی مثل قصه آدم و موسی و ابراهیم علیهم السلام و دیگر انبیا مکرر ذکر شده برای همین نکته است که این کتاب، کتاب قصه و تاریخ نیست، بلکه کتاب سیر و سلوک الی الله و کتاب توحید و معارف و مواعظ و حکم است و در این امور، مطلوب تکرار است تا در نفوس قاسیه تأثیری کند و قلوب از آن موعظت گیرد.»^۱

در عین حال، این نکته حایز اهمیت است که اگر تکرار به صورت یکنواخت و ملامت آور صورت پذیرد، تداعی کننده نوعی تحمیل در دانش آموزان خواهد بود. دانش آموز این گونه تکرار را به منزله فشاری بیرونی تلقی می‌کند که می‌خواهد او را به سمت خواسته‌های مرتبی سوق دهد؛ بنابراین، لازم است مربی از شیوه‌هایی متنوع و

۱. امام خمینی رحمه الله، آداب الصلاة، ص ۱۸۷.



دلنشین برای تکرار و تأکید مطالب مهم خود استفاده کند؛ از این رو، امام خمینی علیه السلام در ادامه مطلب پیشین فرمودند: «به عبارت دیگر، کسی که بخواهد تربیت و تعلیم و انداز و تبشیر کند، باید مقصود خود را با عبارات مختلفه و بیانات متشتمه، گاهی در ضمن قصه و حکایت و گاهی در ضمن تاریخ و نقل و گاهی به صراحت لهجه و گاهی به کنایت و امثال و رموز تزریق کند تا نفوس مختلفه و قلوب متشتمه هر یک بتوانند از آن استفادت کنند.»^۱

خداوند متعال نیز در قرآن کریم تکرار مطالب را با تنوع و تغییر توأم ساخته و زمینه دل‌نشینی پیام و محتوا را فراهم ساخته است. تعبیر «صرفنا» در آیه (وَ لَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا) (اسراء: ۴۱) گویای همین مطلب است، چراکه «صرف» به معنای بازگرداندن چیزی از جهتی به جهت دیگر یا تغییر حالت آن به حالت دیگر است؛ بنابراین، قرآن کریم برای یادآوری مردم، از آیات و مثال‌های گوناگون و متنوعی بهره گرفته و هر چند همه آنها یک هدف را دنبال می‌کنند، ولی تنوع آنها دل‌نشینی پیام را برای مخاطب به ارمغان می‌آورد.

در تربیت اخلاقی نیز مرتبی می‌تواند با استفاده از شیوه‌های گوناگون همچون پرسش، بیان تمثیلی، نقل داستان، قالب‌های هنری، موعظه، تشویق به مطالعه، بحث و گفتگو و مانند آنها پیام خود را به صورت مکرر و دل‌نشین به دانش‌آموز ابلاغ نماید و بدین سان، پیام را از قالب و محتوای تحمیلی عاری گرداند.

۴. تبیین کیفی و پرهیز از سطحی‌نگری در پاسخ‌دهی

گرایش شدید جامعه شیعی به مباحث مهدویت سبب شده که شاهد سطحی‌نگری و کمیت‌گرایی در رویکرد به آموزه مهدویت باشیم. در حال حاضر، ساز و کارهای

۱. همان.



علمی و پژوهشی به گونه‌ای تنظیم شده‌اند که برنامه‌های کمی را ارزشمند تلقی کرده و انجام آن را تشویق می‌کنند. از سویی دیگر، کمبود محققان و اندیشه وران کودک و نوجوان در حوزه مهدویت، بحران کمیت گرایی را تشدید کرده است.

بر اساس همین نگرش، گروهی می‌کوشند کارکردهای باور به آموزه مهدویت را قابل توجه قلمداد کنند و مثلاً گریه و اشک برای ظهور منجی را موجب «آرامش روحی» بنامند؛ از جمله با اشاره به آثار و برکات گریه کردن، بهانه اشک ریختن برای اهل بیت علیهم‌السلام را فرصتی مناسب برای پاکی نفس آدمی و زدودن آرایش‌های جان از عقده‌های انباشته زندگی می‌دانند و مثلاً برای بیمارشان تجویز می‌کنند که برای دستیابی به این فایده، به یاد آن حضرت باشند و اشک بریزند! البته آموزه مهدویت، واجد این فواید نیز هست، اما بسنده کردن به این فواید در برابر فواید اساسی دیگری که آموزه مهدویت برای بشریت دارد، به مثابه اکتفا کردن به عَرَض و رها کردن ذات آن است. به بیان دیگر، چون که صد آید نود هم پیش ما است و آموزه مهدویت می‌تواند چنین برکاتی هم داشته باشد، اما بسنده کردن به این مقولات، به واقع پایین آوردن اهمیت اندیشه مهدویت به مقوله‌ای اساطیری، احساسی و حتی عاطفی و خرافی است.

تکه پاره کردن ماهیت و برکات اندیشه مهدویت و قناعت کردن به سطوح نازل آن، همانند آن است که در جزیره‌ای گرفتار باشیم و در حالی که کشتی خوبی هم برای گذر از این گرفتاری داریم، برای نجات از سرمای جزیره به تکه پاره کردن قطعات کشتی مبادرت کنیم و با سوزاندن چوب و الوار آن بگوییم فایده یک کشتی آن است که ما را از سرما و برودت حفظ و صیانت کند!

اکنون باز هم می‌بینیم آموزه مهدویت به مسلخ سپرده شده و مُثله می‌شود. شهید مطهری، «شهادت هدف» را بزرگ‌ترین و دردناک‌ترین مرحله شهادت امامان معصوم علیهم‌السلام می‌داندست، وی پیرامون عاشورای حسینی چنین تعبیری دارد:



«امام حسین علیه السلام سه مرحله شهادت دارد: شهادت تن به دست یزیدیان، شهادت شهرت و نام نیک به دست بعدی‌ها و بالاخص متوکل عباسی و شهادت هدف^۱».

۵. ارزیابی مستمر پرسش‌ها

همواره باید پاسخ‌ها را با اهداف مقایسه و در عمل نسبت به رفع ضعف‌های پاسخ اقدام نماییم، از نقادی‌های دلسوزانه دانش‌آموزان استقبال کنیم و در راستای اهداف و رسالت‌های پیش رو به نقادی و آسیب‌شناسی مستمر پاسخ‌های خویش بپردازیم. آنچه مهم است علت یابی و ریشه‌شناسی برخی پرسش‌های دانش‌آموزان است. در طی این علت‌یابی و ریشه‌شناسی، چه بسا میان پرسش‌ها، نظام طولی و هرمی‌ای کشف شود، به گونه‌ای که شاید همه پرسش‌ها، معلول یک یا دو یا چند مسئله ناشناخته باشند که در رأس آن هرم و نظام طولی قرار دارند. در این صورت، در پاسخ دهی نبایستی خود را به معلول‌ها مشغول کنیم و باید به سراغ علت‌های اصلی برویم.

۶. عدم تعارض و تناقض در پاسخ دهی به پرسش‌ها

وجود دیدگاه‌ها و آرای مختلف در رویکرد به مسئله مهدویت، سبب شده است که دیدگاه‌های متفاوتی، تبلیغ و ترویج شود؛ به همین دلیل، ما همواره شاهد نوعی تعارض و حتی تناقض در متون مختلف مهدوی هستیم، برای نمونه، مقوله علائم ظهور از مهم‌ترین مقوله‌های آموزه مهدویت است که اختلاف فراوانی پیرامون چگونگی پرداختن به آن در جامعه علمی وجود دارد.

۷. تمایز پرسش‌های مهم و مهم‌تر در پاسخ دهی

همیشه، انگشت نهادن بر پرسش‌ها و مسائلی که برخی کج‌اندیشان برای مردم پدید می‌آورند، در حقیقت مشغول شدن به مباحث انحرافی محسوب می‌شود. مریبان

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۳، ص ۲۵۱.

این عرصه، همواره باید مراقب باشند تا در دام نیفتند و شبهه مسئله را مسئله نینگارند. پرسش‌ها و نیازهای باورمندان به آموزه مهدویت، سلسله مراتبی دارند، به طوری که تا پایین‌ترین پرسش‌ها و نیازهای مهدوی برآورده نشوند، پرسش‌های رتبه دوم بروز نمی‌کنند. عدم توجه به سلسله مراتب نیازها و غفلت از اینکه مهم‌ترین نیازها و کمبود و کاستی‌های مهدی باوران چیست، خود یکی از مصادیق عدم تمییز مسئله از مسئله نماهاست و با واقع نگری منافات دارد.

۸. عدم پاسخ به پرسش‌های غیر ضروری و انحرافی

امروزه در جامعه به جای توجه به ظرفیت عظیم آموزه مهدویت، پرسش‌هایی مطرح می‌شود که یا اصلاً فایده‌ای ندارد و یا فایده‌اش آن قدر اندک است که به هیچ روی پاسخ دادن را توجیه نمی‌کند؛ برای نمونه، پرسش از مکان زندگی امام زمان (عج)، نوع پوشش آن حضرت، چگونگی قیافه و هیکل حضرت، ازدواج یا عدم ازدواج حضرت، فرزندان و همسران ایشان و... نمونه پرسش‌هایی است که دانش آموزان پیرامون امام زمان (عج) مطرح می‌کنند که به هیچ وجه نبایستی متعرض آن شد.

۹. دوری از زمانه زدگی در پاسخ به پرسش‌ها

نباید نو آوردن و نو گفتن را، هر چه که باشد، بالذات ارزشمند انگاشت، برخی امروز، حتی در فهم و بیان آموزه مهدویت، تابع حوادث و اتفاقات روز هستند؛ برای نمونه، دانش آموزان پرسش‌های فراوانی را پیرامون عصر ظهور و اتفاقات آن زمان می‌پرسند. در پاسخ به این پرسش‌ها به هیچ وجه نباید رفاه و عدالت و آسایش و آرامش مردم در عصر ظهور را با استفاده از فناوری و تکنولوژی جدید مقایسه کرد.

۱۰. دوری از پاسخ‌های مبهم در پاسخ گویی به پرسش‌ها

شرط لازم آگاه کردن نوجوانان از حقایق و رسوخ دادن باورهای مهدوی به ذهن و ضمیر آنان، سود جستن از گفتاری است که حتی المقدور از ابهام، ابهام و غموض،



پاک و پیراسته باشد. یک معلم و پژوهشگر در حوزه پاسخ‌دهی، در عین حفظ اصالت و عمق هر رأی و فکر، می‌تواند آن را به واضح‌ترین صورت ممکن، یعنی با نزدیک‌ترین بیان به مرتبه فهم دانش آموز، به او انتقال دهد. اگر دو یا چند پزشک بر سر بالین بیماری به زبانی چنان فنی و تخصصی سخن بگویند که خود بیمار کلمه‌ای از آن را نفهمد باکی نیست، زیرا به هر حال، حاصل این تبادل نظرها توصیه دارو و درمانی است که بدون اینکه بیمار، اندک آگاهی‌ای از چیستی آن داشته باشد، تأثیر خود را بر بدن بیمار خواهد داشت؛ اما اگر دانش‌آموز از گفته‌ها و نوشته‌های معلم خود، چیزی سر در نیاورند، تشخیص‌ها و درمان‌های آنان، مسئله‌ای را حل و مشکلی را رفع نخواهد کرد؛ زیرا در اینجا تأثیر دارو و درمان متوقف بر آگاهی کسانی است که دارو و درمان برایشان توصیه می‌شود؛ از این رو، مربیان و اندیشه‌وران این حوزه نباید ثقل و صعوبت و غموض سخن را دلیل و علامت عمق آن تلقی کنند و سخنان دشوار و پیچیده و دیریاب را دست‌مایه فضل فروشی و تفاخر بدانند.

۱۱. پرهیز از پاسخ‌های کهنه به پرسش‌های جدید

در عین اینکه باید به ارزش میراث به جای مانده از پیشینیان توجه داشت و ارزیابانه و عالمانه بدان وفادار بود، و به دست‌آورد فکری اندیشمندان احترام گذاشت، و در مقام اصطیاد و گزینش یافته‌های معرفتی دیگران بود، خود نیز در صدد تأمل و تولید و ارائه اندیشه‌های تازه و مستقل باشیم و به پرسش‌های جدید دانش‌آموزان، پاسخ‌های نو و جدید بدهیم.

۱۲. ضرورت مخاطب‌شناسی در پاسخ‌دهی

روحیه، سن، جنس، منطقه، نژاد، مذهب و سطح معلومات دانش‌آموزان در پاسخ‌دهی به پرسش‌های وی باید مدنظر قرار گیرد. برای نمونه، پاسخ‌دهی احساسی و عاطفی برای دانش‌آموز در گروه سنی خاصی یا جنسیت خاصی، اثرگذاری بیشتر دارد تا گروه



سنى ديگرى، يا دانش آموزى كه در خانواده مذهبى مى زيسته و در جلسات مذهبى رشد يافته است، پاسخى را مى طلبد كه قطعاً با دانش آموزى كه در چنين محيطى رشد نيافته است، متفاوت خواهد بود.

۱۳. استفاده از مثال در پاسخ دهى

استفاده از «مثال» در گفتار و نوشتار، تاثيرى اعجازگونه بر جان دانش آموز و نوجوان دارد، او را مدهوش مى كند و مرواريد درخشان حقيقت را بر ساحل فهم ادراك او مى نشاند؛ در قرآن كريم نيز فراوان از «مثال» استفاده شده است؛ براى نمونه خداى متعال مَثَلِ كسانى كه غير خداى متعال را سرپرست خود بر گزیدند، را همانند مَثَلِ عنكبوتى مى داند كه براى خود خانه اى ساخته؛ كه البته سست ترين خانه ها، خانه عنكبوت است.^۱ در جايى ديگر خداى متعال، يهوديان مدينه را بسان دراز گوشى مى داند كه كتاب هايى بر او حمل مى كنند،^۲ زيرا يهوديان مدينه، ويژگى هاي پيامبر گرامى اسلام ﷺ را در تورات مى خوانده اند و پيوسته از ظهور آن حضرت ﷺ خبر مى دادند، ولى آنگاه كه آن حضرت ﷺ با آن ويژگى ها و نشانه ها ظاهر گرديد به جاي اين كه در ايمان به وى پيشگام باشند؛ به انكار نبوت آن حضرت ﷺ پرداختند.

امير سخن، امام على عليه السلام نيز فراوان از «مثال» در سخنانش استفاده مى كرد. آن حضرت دعوت كننده بدون عمل را بسان تيرانداز بدون كمان مى داند. و در جايى ديگر دنيا را چون مار سمى مى داند كه ظاهرى زيبا دارد، انسان جاهل از آن گريزى ندارد ولى انسان عاقل از آن مى هراسد. به هر روى استفاده از مثال، پاسخ دهى در گفتار و نوشتار را دراي چند ويژگى مى سازد:

۱. سوره عنكبوت، (۲۹)، آيه ۴۱.

۲. سوره جمعه (۶۲): آيه ۵.





۱. گفتار و نوشتار را زیبا و دل‌نشین می‌کند، نه تنها آن را ملال آور نمی‌کند که دانش‌آموز را بر سر نشاط می‌آورد و شیفته همراهی می‌سازد.
 ۲. نزدیک‌ترین مسیر ممکن را برای رسیدن به هدف، به دانش‌آموز القا می‌کند.
 ۳. گفتار و نوشتار را دارای انعطاف و تنوع می‌سازد و از یک‌نواختی دور می‌سازد، گاه دانش‌آموز را به سکوتی عمیق می‌کشاند؛ گاه تند، گاه آرام ره می‌پیماید؛ گاه خلاصه و عمیق می‌شود و گاه مفصل و عریض.
 ۴. گفتار یا نوشتار را دارای حرکتی نا محسوس می‌کند؛ دیگر حرکت خود را فریاد نمی‌زند، بلکه به آرامی ره می‌سپارد تا از مقصد سر برآورد.
- شرح فواید و ضرورت‌های استفاده از مثال در نوشتار سخن را نمی‌توان در این تنگنا به قلم آورد. راقم این سطور با اطلاع از کارکردهای استفاده از مثال در نوشتار یا گفتار در پاسخ‌دهی به پرسش‌های دانش‌آموزان از مثال فراوان استفاده کردم تا فهم مفاهیم مهدوی برای آنها راحت‌تر و شیرین‌تر شود.
- در این نوشتار از سخنان بزرگوارانی چون شهید آیت الله مطهری، آیت الله حائری شیرازی و حجج اسلام استاد محسن قرائتی و رنجبر و... استفاده شده است.
- اکنون که این نوشتار به پیشگاه خوانندگان تقدیم می‌شود، امید آن دارم که طبع مشکل‌پسند ارباب فضل، نتیجه کار را بپسندند و کاستی‌های احتمالی را بر ما ببخشند، همچنین مراتب اشتیاق و نیاز خود را نسبت به دریافت نظرها و دیدگاه‌های خوانندگان محترم ابراز می‌دارم و در پایان از آقایان: حجج اسلام مهدی یوسفیان، محمدرضا نصوری، صادقی، امیرمحسن عرفان و سیدمحمدحسن مهدوی‌نیا که در تمام مراحل، مشوق این حقیر بودند، تشکر می‌نمایم.



۱. آیا ما به امام و راهنما نیاز داریم؟

دوستان خوبم سلام، وقتی قلم به دست گرفتم تا به پرسش‌های شما درباره امام زمان علیه السلام پاسخ دهم بسیار بسیار خوشحال شدم و از این که می‌توانستم با زبان قلم با شما درباره امام زمان علیه السلام ارتباط برقرار کنم، خدا را شکر می‌کنم و از او می‌خواهم که در این راه مرا یاری کند تا بتوانم به زبان شما عزیزان به پرسش‌های قشنگ و دقیق شما، پاسخ مناسب بدهم. اما این که پرسیده‌ای چه نیازی به امام و راهنما داریم، به این پرسش از راه‌های گوناگون می‌توان پاسخ داد و ضرورت و نیاز به امام را ثابت نمود، اما با توجه به این که در پاسخ به تمام پرسش‌ها تصمیم گرفته‌ام از مثال و تشبیه استفاده کنم تا پاسخ به راحتی و به سرعت به شما منتقل شود به همین خاطر، در پاسخ به این پرسش نیز، از مثال زیبایی که از یکی از یاران امام صادق علیه السلام به نام هشام در کتاب‌های حدیثی بیان شده استفاده می‌کنیم.

جمعی از یاران امام صادق علیه السلام اطراف حضرت نشسته بودند که در میان آنها، هشام که تازه به جوانی رسیده بود نیز حضور داشت.

امام صادق علیه السلام به هشام فرمود: ای هشام! خبر نمی‌دهی که با عمرو بن



عید چه کردی و از او چه پرسیدی؟ هشام گفت: متوجه شدم که عمرو بن عبید در بصره،^۱ کلاس درس گذاشته، به همین خاطر به طرف بصره حرکت کردم و در روز جمعه به آن جا رسیدم. وقتی به آن جا رسیدم، دیدم جمعیت زیادی در مسجد جمع شده‌اند و مردم پرسش‌های خود را از عمرو می‌پرسند. از میان جمعیت خود را به جلو رساندم و سپس به عمرو گفتم: آیا چشم داری؟

گفت: پسر جان! این چه پرسشی است؟ چرا از چیزی که خودت می‌بینی، می‌پرسی؟

گفتم: پرسش من همین است، آیا چشم داری؟

گفت: گرچه پرشست احمقانه است، اما... آری! چشم دارم.

گفتم: به چه کارت می‌آید؟

گفت: با آن، رنگ‌ها و آدم‌ها را می‌بینم و تشخیص می‌دهم.

گفتم: بینی هم داری؟ گفت: آری.

گفتم: به چه کارت می‌آید؟ گفت: با آن بوها را استشمام می‌کنم.

گفتم: آیا دهان نیز داری؟ گفت: آری.

گفتم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: غذا می‌خورم و مزه آن را می‌چشم.

گفتم: گوش داری؟ گفت: آری.

گفتم: با آن چه می‌کنی؟ گفت: صداها را می‌شنوم.

۱. بصره یکی از شهرهای عراق است.



گفتم: آیا قلب^۱ داری؟ گفت: آری

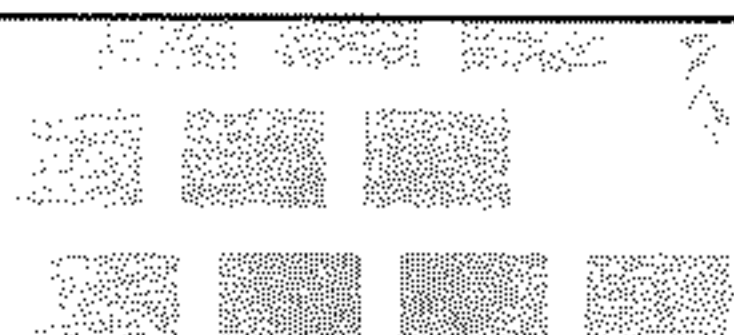
گفتم: با آن چه می کنی؟ گفت: هر آنچه اعضا و حواسم درک می کنند را به وسیله قلب، از همدیگر جدا می کنم و آنها را تشخیص می دهم.
گفتم: مگر این اعضای حسی (چشم و گوش، بینی) تو را از قلب بی نیاز نمی کنند؟ گفت: نه.

گفتم: چطور بی نیاز نمی کنند و حال آن که همه، صحیح و سالم اند؟
گفت: پسر جان! وقتی آنها در چیزی شک داشته و سرگردان شده باشند، در تشخیص و شناسایی آن به قلب مراجعه می کنند تا برایشان یقین حاصل شود و شک و سرگردانی آنها از بین برود.
گفتم: آیا خداوند، قلب را برای برطرف شدن شک و دودلی از حواس، قرار داده است؟
گفتم: آری.

گفتم: پس قلب باید موجود باشد، وگرنه برای حواس، اطمینان و یقینی حاصل نمی شود؟
گفت: آری.

گفتم: ای عمرو! خداوند، حواس تو را بی امام، رها نکرده و برای آنها، امامی قرار داده است تا چیزی که صحیح و درست است را آشکار کند و

۱. قلب در این جا می تواند به معنای قوه عاقله، محل ادراک و شعور و مغز باشد.



شک و تردید آنها را به یقین تبدیل نماید. حال چگونه این همه انسان را در شک و سرگردانی رها نموده و امامی بر ایشان قرار نداده تا آنان را از شک و تردید، خارج سازد؟

عمرو مدتی سکوت کرد، سپس رو به من کرد و گفت: اهل کجایی؟ پاسخ دادم: کوفه.

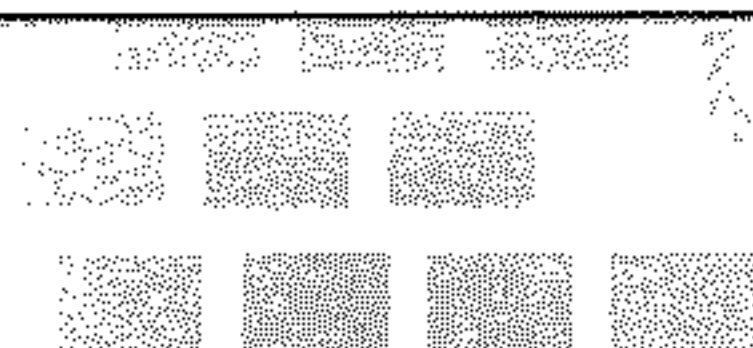
گفت: پس تو هشام بن حکمی! در این هنگام امام صادق علیه السلام خندید و فرمود: ای هشام! چه کسی این مطلب را به تو آموخته است؟

هشام گفت: چیزی است که از شما یاد گرفته‌ام. امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم، این مطلب در کتاب ابراهیم و موسی، نوشته شده است.

پس نور چشمان! همان گونه که خداوند در بدن انسان مرکزی را قرار داده تا به وسیله آن، اعضای بدن هدایت و راهنمایی شوند، به همان شکل در زمین، امام، حجت و راهنمایی قرار داده است که موجوداتی که از جمله آنها ما انسان‌ها هستیم را امامت و رهبری کند و راه درست و صحیح را به آنها نشان دهد و با پیروی و اطاعت از او، راه درست و صحیح را انتخاب کنند.

آنها که امام ندارند راه‌هایی در زندگی انتخاب می‌کنند که آنها را به سعادت و خوشبختی نمی‌رساند، اما اگر انسان امام زمان علیه السلام داشته باشد،

راه درست و صحیح را به او نشان می‌دهد، امام زمان علیه السلام تمام راه‌های
خوشبختی و سعادت را در دنیا و آخرت را برای ما بیان می‌فرماید به
شرطی که حرف او را گوش دهیم و از او اطاعت کنیم.



۲. چرا امام زمان علیه السلام مخفیانه به دنیا آمدند؟

یکی از پیامبرانی که داستان تولد جالبی دارد، داستان تولد حضرت موسی علیه السلام است. فرعون خواب دید نوزادی از بنی اسرائیل به دنیا آمده و حکومت او را نابود خواهد کرد، با پریشانی از خواب بیدار شد و دستور داد هر پسری که به دنیا می آید را بکشند. مادر موسی علیه السلام باردار بود، خداوند بارداری او را از چشم دشمنان مخفی کرد، به همین دلیل حضرت موسی علیه السلام به خواست خداوند مخفیانه به دنیا آمد و بعد از به دنیا آمدن به دستور خداوند، مادرش او را در صندوقی گذاشت و در رود نیل رها کرد و به دنبال آن حرکت کرد تا ببیند چه اتفاقی می افتد تا این که مأموران کاخ فرعون، صندوق را از آب گرفتند و آن را پیش فرعون بردند، تا دید پسر بچه ای داخل آن است اول تصمیم گرفت که او را بکشد، اما خداوند محبت موسی علیه السلام را در دل فرعون و زنی انداخت و تصمیم گرفتند او را به عنوان فرزند خود بزرگ کنند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر امامان علیهم السلام بشارت تولد امام زمان علیه السلام را قبل از میلاد آن حضرت علیه السلام داده بودند و فرموده بودند کسی به دنیا می آید که جهان را پر از عدل و داد می کند و به حساب تمام ستمگران و ظالمان

می‌رسد، به همین خاطر، خانه امام حسن عسکری علیه السلام را محاصره کرده بودند تا اگر پسر بچه‌ای در خانه آن حضرت علیه السلام به دنیا آمد آن را بکشند. اما به خواست خداوند همان‌طور که حضرت موسی علیه السلام در میان دشمنان مخفیانه به دنیا آمد، امام زمان علیه السلام نیز در محاصره دشمنان و در حالی که در منزل آن‌ها، جاسوس گذاشته بودند که اگر زنی باردار است به آن‌ها خبر دهد، آن حضرت علیه السلام در حالی که هیچ علامت بچه‌دار شدن در مادرشان معلوم نبود، مخفیانه به دنیا آمدند و باز هم دشمنان خدا و اسلام فهمیدند که نور خدا را نمی‌توانند خاموش کنند.

۳. شنیده‌ام امام زمان علیه السلام در پنج سالگی به امامت رسیده‌اند، چگونه ممکن است کسی در پنج سالگی امام شود؟
به نظر شما چه سنی مناسب است که امامتِ امامی آغاز شود؟
شاید بگویید در سن سی تا چهل سالگی.

حال پرسش بعدی را می‌پرسم و آن این که چرا این سن را برای شروع امامت مناسب می‌دانید؟

شاید بگویید: برای این که فرصت باشد مقدار بیشتری علم و تجربه به دست آورد تا امامت بهتر اداره شود.

از این پاسخ شما معلوم می‌شود که پرسش از امامت در کودکی زمانی مطرح می‌شود که ما امامت امام را با مقامات و پست‌های انسان‌ها مقایسه می‌کنیم، در صورتی که امامت مانند نبوت و پیامبری از طرف خداوند به بندگان برگزیده و شایسته خود بخشیده شده و چون همه چیزش از طرف خداست، سن و سال در آن دخالتی ندارد و به همین خاطر شما می‌بینید به غیر از امام مهدی علیه السلام که در نهم ربیع سال ۲۶۰ هجری قمری در پنج سالگی به امامت رسیدند قبل از آن امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام در سن هفت سالگی به امامت رسیدند و این امر یعنی امامت در سن کودکی نه

فقط در امامان ما که در پیامبران گذشته هم اتفاق افتاده است، چون همان گونه که بیان شد هم امامت و هم نبوت از طریق خداوند تعیین می شود و به سن و سال ارتباطی ندارد که لازم باشد مدتی را درس بخواند و استاد ببیند و یا تجربه به دست آورد، بلکه در همان لحظه اول که پیامبری و امامت از طرف خداوند به آنها داده می شود، هر آن چه برای پیامبری و امامت لازم است نیز به آنها داده می شود.

دوستان خوب، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام پیامبری است که از هنگام تولد، نبوت و پیامبری خود را به طور آشکار بیان نمود. در قرآن می خوانیم:

« قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا »^۱

[حضرت عیسی علیه السلام در حالی که کودک بود] گفت: من بنده خدا هستم، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است.

حضرت یحیی علیه السلام یکی دیگر از پیامبرانی است که در کودکی به مقام نبوت رسید. خداوند در این باره در قرآن خطاب به او فرمود: « يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا »^۲ ای یحیی! کتاب [خدا] را با قوت بگیر. ما فرمان نبوت را در کودکی به او دادیم.

۱. مریم ()، آیه ۳۰.

۲. همان، آیه ۱۲.

۴. چرا امام زمان علیه السلام غایب شد؟

می‌دانم چقدر دلت برای امام زمان تنگ شده و دوست داری او را ببینی و از این که غایب است، ناراحت و غمگین هستی و برای ظهور و فرج او دعا می‌کنی.

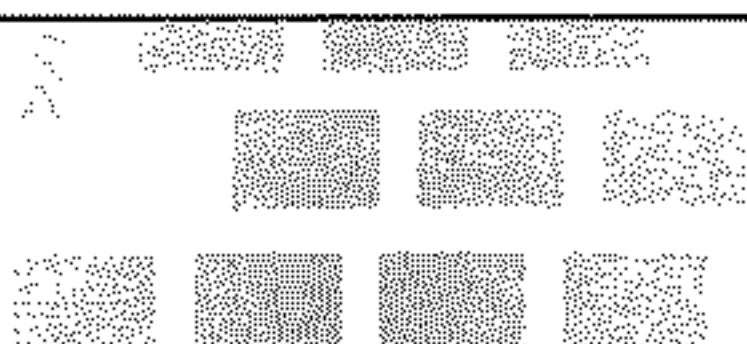
اگر از شما پرسیده شود که چرا حضرت یوسف علیه السلام غایب شد تا جایی که آن قدر پدرش حضرت یعقوب علیه السلام در فراق او گریه کرد که بینایی چشم خود را از دست داد، چه می‌گویید؟

آیا حضرت یوسف علیه السلام خودش دوست داشت این طور شود؟

آیا حضرت یعقوب علیه السلام این طور خواسته بود؟

پاسخ پرسش‌های گفته شده را می‌دانی. به خاطر ظلم و ستمی که برادران یوسف علیه السلام در حق او داشتند، میان یوسف علیه السلام و یعقوب علیه السلام جدایی انداختند و خودشان نیز از نعمت یوسف علیه السلام محروم شدند و خداوند یوسف علیه السلام را از آنها گرفت.

امامان بزرگوار ما نیز به دست مسلمانان گرفتار شدند نه به دست کافران، مانند حضرت یوسف علیه السلام که به دست برادرانش گرفتار شد نه دشمنان.



کسانی که مسلمانان بودند امامان ما را خانه نشین کردند و در نهایت آن‌ها را به شهادت رساندند؛ به همین خاطر خداوند آن‌ها را از ظهور آخرین امام، محروم ساخت تا دست از بی‌ادبی و ظلم به امام بردارند.

برای مثال، چراغ را برای روشنایی و گرما، نزد کودک می‌گذاریم، اما او از روی جهالت و نادانی به آن سنگ می‌زند. برای آن‌که بچه به چراغ آسیب نزند آن را برمی‌داریم. برداشتن چراغ، دلیل ترس و ناتوانی در برابر کودک نیست و از قدرت او نمی‌ترسیم، بلکه از خطا و اشتباه او می‌ترسیم؛ البته اگر چند لامپ و چراغ داشته باشیم، ممکن است آن را برنداریم و در صورت آسیب دیدن آن، چراغ دیگری بیاوریم.

ولی اگر فقط یک چراغ باقی مانده باشد، آن را از دسترس بچه دور می‌کنیم تا نشکند.

امامان بزرگوار ما مانند چراغ‌های هدایتی هستند که خداوند در مسیر انسان نصب کرده است که اثر اشتباه و خطای گذشتگان، یازده تن از آنها به شهادت رسیدند و یکی از آن‌ها که امام زمان علیه السلام است باقی مانده و خداوند برای جلوگیری از اشتباه ما که به آن آسیبی نزنیم، آن حضرت علیه السلام را از دیدگان ما غایب ساخته است و تا هنگامی که مردم پی به این اشتباه خود نبرند و احساس نکنند که به امام نیاز دارند، غیبت آن حضرت علیه السلام همچنان ادامه می‌یابد و از ظهور خبری نیست.



۵. چگونه می‌توانم از امام زمان علیه السلام در حالی که غایب است، استفاده ببرم؟

آیا تا به حال به خورشید در حالی که پشت ابر است، نگاه کرده‌ای؟
آیا حالتی که خورشید را نمی‌بینی، خورشید حاضر است یا غایب؟
آیا هنگامی که خورشید پشت ابر است، گرمای آن به زمین می‌رسد؟
آیا در این حالت، زمین تاریک است یا روشن؟
آیا ابرها برای همیشه جلوی خورشید را می‌گیرند؟
بعد از آن که به پرسش‌های بالا با دقت پاسخ دادی، بسیار مناسب است که پاسخ پرسشی که پرسیده‌ای را از زبان مبارک خود امام زمان علیه السلام بشنویم:

«وَأَمَّا وَجْهَ الْإِنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَأَنَّ لُإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنْ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»^۱

خوب به معنای حدیث دقت کن، امام زمان علیه السلام می‌فرماید:
استفاده و بهره‌مندی از من در زمان غیبتم همانند بهره بردن از خورشید

۱. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۹۲.



است هنگامی که ابرها آن را از چشم‌ها بپوشاند.

در این حدیث شریف، امام زمان علیه السلام خود را در زمان غیبت همانند خورشید در پشت ابر مثال می‌زنند و می‌فرمایند: چگونه است که شما از خورشید پشت ابر استفاده می‌برید همان‌گونه از من نیز در غیبت بهره‌مند می‌شوید.

درست است زمانی که قرص خورشید پشت ابر است و ما خورشید را نمی‌بینیم، اما ندیدن خورشید به این معنا نیست که از گرما و نور خورشید نمی‌توانیم استفاده کنیم و گرما و نور آن به ما نمی‌رسد و باز به این معنا نیست که خورشید برای همیشه در پشت ابر باقی می‌ماند.

امام زمان علیه السلام در زمان غیبت نیز همین‌گونه هستند، درست که با چشم سر ایشان را نمی‌توانیم ببینیم، اما از وجود و حضور ایشان همه موجودات مانند خورشید استفاده می‌برند و زمانی نیز فرا خواهد رسید که ابر غیبت کنار خواهد رفت و ایشان ظهور خواهند کرد.

۶. بهترین کار در زمان غیبت امام زمان علیه السلام چیست؟

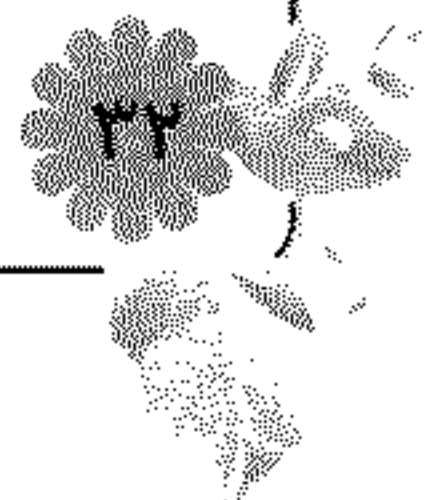
از همان دوران کودکی و نوجوانی باید اهل تلاش و کوشش شویم، خداوند از آدم تنبل و بیکار بدش می‌آید و در عوض، کسی که کوشش می‌کند را بسیار دوست دارد. پیامبر عزیز صلی الله علیه و آله نیز هر موقع کسی را می‌دید که بیکار است ناراحت می‌شدند.

کارهایی که، انجام می‌دهیم، بعضی از آن‌ها مهم است و بعضی این‌طور نیست.

برای مثال، این که هر روز نماز می‌خوانیم این خیلی مهم است و اگر کسی آن را انجام ندهد، خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله از دست او ناراحت می‌شوند. بهترین کار و عمل از میان کارهایی که باید انجام دهیم، انتظار ظهور امام زمان علیه السلام است.

ممکن است بررسی که منتظر آمدن کسی بودن که کار نیست؟ بله، اگر انتظار را این‌گونه معنا کنیم کار نیست، یعنی گوشه‌ای بنشینیم و هیچ کار نکنیم.

اما عزیزان، انتظار امام زمان علیه السلام معنایش این نیست. همان‌طور که انتظار آمدن مهمان را این‌طور معنا نمی‌کنید. اگر قرار باشد مهمانی به



خانه شما بیاید، آیا همه در خانه آرام ننشینند و هیچ کاری نمی‌کنند. کسانی که منتظر آمدن مهمانی هستند از قبل خانه را آب و جارو می‌کرده، غذا آماده می‌کنند، وسایل خانه را مرتب کرده و لباس‌های تمیز و نو می‌پوشند و کارهای دیگری که لازم است انجام می‌دهند، این معنای انتظار است.

اگر منتظر آمدن بهار هستیم، الان که زمستان است این‌طور نیست که از سرما بلرزیم و اتاق خود را گرم نکنیم یا منتظران طلوع خورشید فردا در شب در تاریکی به سر ببرند و اتاق را روشن نکنند.

کسی که منتظر آمدن امام زمان علیه السلام است از همین امروز باید به مقدار توان خود، برای آمدن امام زمان علیه السلام زمینه‌ساز می‌کند.

امام زمان علیه السلام هنگامی که ظهور کند، بی‌خواهند همه، اهل خوبی‌ها شوند، پس از هم اکنون باید خوبی‌ها را که خودشان و امامان قبلی گفته‌اند انجام دهیم.

۷. چگونه امام زمان علیه السلام عمری هزار ساله دارند؟

خدا را شکر که خداوند به امام زمان علیه السلام عمر طولانی داده تا در این زمان ما هم امام داشته باشیم، اگر این طور شده بود که بعد از امام یازدهم دیگر امامی نباشد و در نزدیک ظهور، امامی به دنیا بیاید و بعد از آن امام باشد، برای ما خیلی بد می‌شد، دیگر نه امامی داشتیم و نه امیدی.

الان امام مهدی علیه السلام ما زنده و حاضر است، فقط ظاهر نیست؛ یعنی فقط ما او را نمی‌بینیم، اما می‌توانیم به وسیله قلبمان با او ارتباط داشته باشیم و هر روز بر او سلام کنیم و از او کمک بخواهیم و او هم به یاد ما هست و ما و تمام دوستانش را کمک خواهد کرد.

مهدی باوران عزیز، آیا تا کنون به انواع موهایی که در سر و صورت می‌روید، دقت کرده‌اید؟

با این که تمام این موها در یک سر و صورت هستند، اما موهای سر زیاد رشد می‌کنند، اما موهای ابرو کمتر و موهای مژه از آن هم کمتر. و از طرف دیگر موهای سر زودتر از موهای ابرو و مژه سفید می‌شوند و حتی موهای مژه ممکن است تا آخر عمر اصلاً سفید نشود، در حالی که همه در یک سر و صورت هستند.

بنابراین، خداوند این چنین اراده فرموده که در یک سر و صورت، یکی زود رشد کند، یکی دیرتر، یکی زود سفید شود و دیگری اصلاً سفید نشود. عمر انسان نیز همین گونه است. گاهی اراده و قدرت خدا به این می شود که به بعضی عمر طولانی دهد مانند حضرت نوح علیه السلام که عمری بیش از هزار سال داشت یا اصحاب کهف که خوابی سیصد ساله داشتند، همان خدا اراده فرموده که به امام زمان علیه السلام عمری طولانی دهد و تا فراهم شدن زمینه ظهورش او را زنده نگه دارد.

همچنین اگر از شما بپرسند ما چند امام داریم و آنها را چه کسی معرفی کرده چه می گویند؟

درست است، امامان بزرگوار ما دوازده نفر هستند که پیامبر صلی الله علیه و آله تک تک آنها را معرفی فرموده که اول آنها امام علی علیه السلام است که در غدیر خم به همه معرفی کردند و بعد از آن امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و نه امام دیگر از نسل امام حسین علیه السلام می باشند.

همچنین از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام بیان شده که امام مهدی علیه السلام آخرین امام است که زنده خواهد بود و دارای غیبت طولانی است و هم اوست که بعد از آن غیبت طولانی، ظهور می کرده و زمین را پر از عدل و داد می کند.

پس نتیجه می گیریم امام مهدی علیه السلام منجی و نجات دهنده ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله بشارت و وعده آن را داده اند، پس او امام دوازدهم و منجی

زنده در جهان است و تا موقعی که ظهور کند و همه مردم جهان را از دست ستمگران نجات دهد و حکومت اسلامی را در تمام زمین اجرا کند، عمر خواهد کرد، هر چند، چند هزار سال طول بکشد.



۸. چرا دشمنان قصد کشتن امام زمان علیه السلام را دارند؟

بچه‌های عزیز، امامان ما همه به دست دشمنان کشته شدند و به شهادت رسیدند، به همین خاطر، خداوند امام دوازدهم، امام مهدی علیه السلام را از جلوی چشم آن‌ها دور کرد تا نتوانند او را هم به شهادت برسانند.

چرا دشمنان امامان ما را شهید کردند و حتی الان اگر دستشان به امام مهدی علیه السلام برسد او را نیز به شهادت می‌رسانند، مگر امامان ما، انسان‌های خوبی نبودند؟

مگر آن‌ها دارای اخلاق و رفتار بسیار خوبی نبودند؟

مگر آن‌ها دوست‌دار بچه‌ها و همه انسان‌ها نبودند؟

پس چرا امامان ما مورد بی‌احترامی و اذیت دشمنان واقع شدند؟

چون زرنگ و باهوش هستی و می‌دانم که زود متوجه می‌شوی،

پاسخت را با توجه به یک داستان قرآنی بیان می‌کنم:

همه شما داستان حضرت یوسف علیه السلام را خوانده یا شنیده‌اید؟ حال از شما

می‌پرسم، چرا برادران یوسف علیه السلام آن حضرت را از پدر دور کردند و او را در

چاه انداختند؟

آیا حضرت یوسف علیه السلام گناهی کرده بود؟



آیا حضرت یوسف علیه السلام با برادرانش بدرفتاری کرده بود؟

آیا حضرت یوسف علیه السلام با پدرش یعقوب علیه السلام خوب رفتار نکرده بود؟

هیچ کدام از این ها نبود و حضرت یوسف علیه السلام هیچ گناه و خطایی نکرده بود، اما عزیزان، برادران یوسف علیه السلام به خاطر کمالات و خوبی هایی که حضرت یوسف علیه السلام داشت با او دشمنی کردند و می گفتند که او پیش پدرمان از ما عزیزتر است و باید کاری کنیم که از جلوی چشم پدر دور شود و یا حتی او را بکشیم یا در چاهی بیندازیم تا افرادی او را بگیرند و به جای دوری ببرند.

بنابراین، حضرت یوسف علیه السلام به خاطر کمالات و خوبی هایی که داشت مورد محبت و علاقه پدرش حضرت یعقوب علیه السلام و مورد دشمنی برادرانش قرار گرفت، و او را از جلوی چشم پدر غایب کردند و قصد داشتند او را بکشند.

فکر کنم با این مثال یکی از علت هایی که دشمنان امامان را شهید کرده اند را فهمیده باشی و این که چرا قصد کشتن امام مهدی علیه السلام را دارند. بله عزیزان، امامان ما انسان های بسیار خوب و ممتاز بودند که از طرف خداوند برای هدایت و راهنمایی انسان ها انتخاب شده بودند، به همین خاطر هم، پیامبر صلی الله علیه و آله بسیار آن ها را دوست داشت و دیگران را نیز سفارش می فرمود که به آن ها احترام گذاشته و آن ها را دوست داشته باشند و از آنها اطاعت کنند، به همین خاطر، دشمنان به خاطر کمالات و

خوبی‌هایی که امامان داشتند و محبتی و دوستی که پیامبر ﷺ به آن‌ها داشت با آنها دشمنی کردند و آن‌ها را به شهادت رسانیدند و الان هم اگر دستشان به امام مهدی علیه السلام برسد او را نیز به شهادت می‌رسانند. اما خداوند همان‌گونه که حضرت یوسف علیه السلام را از شرّ برادرانش نجات داد و او را پادشاه کرد، امام زمان علیه السلام را نیز حفظ خواهد کرد و او را سلطان و رهبر تمام جهان خواهد کرد.

دوستان خوبم این را هم بدانید که در طول تاریخ ما همیشه هابیل و قابیل‌هایی داشته‌ایم، موسی‌ها و فرعون‌هایی داشته‌ایم، ابراهیم‌ها و نمرودهایی داشته‌ایم، به عبارتی، همیشه در طول تاریخ عده‌ای درون جبهه حق بوده‌اند و عده‌ای نیز در جبهه باطل، و این دو گروه همیشه با هم ستیز و جنگ دارند، و طبیعی است که سران و رهبران جبهه باطل و ظلم و ستم به هیچ‌وجه حضور و ظهور امام زمان علیه السلام را نمی‌توانند قبول کنند، گرچه آن امام، قیام و مبارزه علنی و آشکار هم نداشته باشد. امام زمانی که قرار است با تشکیل حکومت اسلامی جهانی، همه جا را پر از عدل و داد و رفاه و برادری کند، اینها کارهایی است که ظالمان و ستمگران اصلاً آن را دوست ندارند و هرکس را هم که دنبال این کارها باشد با او مخالفت می‌کنند، چون منافع ستمگران در ظلم کردن و بی‌عدالتی است و همان‌گونه که امام علی علیه السلام تصمیم داشتند حکومتی بر اساس عدل و مساوات تشکیل دهند او را شهید کردند، هرکس دیگری

که چنین قصدی داشته باشد با او دشمنی خواهند کرد.



۹. چه کاری‌هایی امام زمان علیه السلام را خوشحال می‌کند؟

دوست مهربان هزار آفرین بر تو، که در این سن و سال به دنبال کاری هستی که امام زمانت را خوشحال کنی، هرکس امام زمان علیه السلام را خوشحال کند، خدا را خوشحال کرده است و چه کاری بزرگ‌تر از خوشحالی خدا و امام زمان علیه السلام.

امام زمان علیه السلام با کارهایی که ما انجام می‌دهیم خوشحال شده و یا خدای ناکرده ناراحت می‌شود، بنابراین، هر کاری که می‌خواهی انجام دهی، اول دقت کن و ببین امام زمان علیه السلام آن کار را دوست دارد و او را خوشحال می‌کند و یا کاری است که او دوست ندارد.

بچه‌های باادب و باتربیت را در مهمانی دیده‌ای؟

وقتی شربت، شیرینی و شکلات جلوی آن‌ها گرفته می‌شود، پیش از آن که چیزی از آن‌ها بردارد، به پدرش نگاه می‌کند و از نگاه او می‌فهمد که بردارد یا نه؟

امام زمان علیه السلام مثل پدر برای همه ماست، هر کاری که انجام می‌دهیم، اول بدانیم که آیا او راضی است که آن کار را انجام دهیم یا نه؟ که اگر امام زمان علیه السلام راضی باشد، خدا راضی است و سعادت و خوشبختی همین

است.

بنابراین، اگر دوستت گفت: این سی‌دی را بگیر و در خانه تماشا کن، اول از او بپرس، داخل سی‌دی چیست؟ ممکن چیزی در آن باشد که امام زمان علیه السلام دوست نداشته باشد تو ببینی، یا اگر تصویر یا فیلمی را خواست برای تو بلوتوث کند، اول آن را کنترل کن، تلفن همراه تو، نشانه شخصیت توست.

مثلاً اگر امام زمان علیه السلام در مقابل تو باشد، می‌توانی تمام پیامک‌ها و تصاویر و فیلم‌های موبایل خود را به حضرت نشان دهی و خجالت نکشی؟

ما به عنوان نوجوان منتظر وظیفه داریم که همیشه رضایت امام زمان علیه السلام را همراه خود داشته باشیم، رضایت ایشان بر هر کاری مقدم است.

به این نکته هم توجه داشته باشیم که کارنامه کارهای ما هر هفته به امام زمان علیه السلام نشان داده می‌شود و همان‌گونه که ما نگرانی و ترس داریم تا پدر و مادر از نمره‌های بد ما در کارنامه خبردار نشوند، بایستی مواظب باشیم هنگامی که کارنامه اعمال ما به حضرت علیه السلام نشان داده می‌شود در آن دروغ، غیبت، بی‌توجهی به نماز و... در آن نباشد.

با خودت فکر کن آیا امام زمان علیه السلام از نماز اول وقت خواندن تو خوشحال می‌شود یا این که در آخر وقت آن هم با عجله بخوانی؟ آیا

خوش اخلاق بودن تو با خانواده و دوستان و همسایگان امام زمان علیه السلام را
خوشحال می کند یا بداخلاقی با همه آنان؟
اگر بی حجابی و نگاه به نامحرم امام زمان علیه السلام را ناراحت می کند پس
آنها را انجام نده.

۱۰. وقتی کار خوبی انجام می‌دهم، چگونه امام زمان علیه السلام می‌بیند و برایم دعا می‌کند؟

درود بر شما که همیشه دنبال خوبی‌ها هستی و از بدی‌ها بیزاری. سعی کن تا آخر عمر همین حالت را نگه داری که امام زمان علیه السلام که خود آقای خوبی‌هاست تو را می‌بیند و خوشحال می‌شود و برایت دعا می‌کند.

دوستان خوبم، یکی از راه‌های شناخت خدا، دقت و فکر کردن در موجوداتی است که خدا آفریده است که یکی از آن موجودات انسان است که اشرف و بهترین مخلوق و آفریده خداست. یکی از قسمت‌های مهم بدن انسان مغز اوست که فرمانده بدن است، و تمام اعضا با مغز ارتباط دارند و از آن جا دستور می‌گیرند.

خوب است بدانید که دانشمندان می‌گویند بدن انسان از پنجاه تریلیون^۱ سلول تشکیل شده است، که این عدد، پنچی است که سیزده صفر جلوی آن باشد و سلول در بدن مانند آجرهایی است که به وسیله تک تک آن‌ها،

۱. برای این که بزرگی این عدد را متوجه شوید، حساب کنید اگر بخواهیم این عدد را بشماریم و شمارش هر عدد یک ثانیه طول بکشد، چه زمانی لازم است تا این عدد شمارش شود.

ساختمان ساخته می‌شود.

این تعداد زیاد سلول در حالی که هر کدام کاری می‌کند و وظیفه‌ای دارد، ولی همه آنها زیر نظر مغز هستند و همه پیام‌هایی که دریافت می‌کنند به مغز می‌دهند و از آن جا دستور می‌گیرند؛ مثلاً اگر به سرانگشت شما سوزنی برخورد کند در همان لحظه، سلول‌های آن قسمت این پیام را به مغز منتقل کرده و آن را حساس می‌کنند و از آن جا دستور می‌گیرند که چه کاری باید انجام دهند.

حتی اگر در یک لحظه به قسمت‌های مختلفی از بدن سرسوزنی برخورد کند، پیام همه آنها به مغز منتقل شده و مغز حساس می‌شود و پیام همه آنها را می‌گیرد و دستور می‌دهد که چه کاری انجام دهند.

همه انسان‌ها نیز به امام زمان علیه السلام متصل هستند و همه تحت ولایت و فرماندهی او هستند. بنابراین، تو دوست خوب امام زمان علیه السلام هنگامی که کار خوب می‌کنی، در همان لحظه امام متوجه می‌شود، هر کجا که می‌خواهی باش، پس کاری کن که همیشه پیام‌های خوبی از طرف تو به امام زمان علیه السلام فرستاده شود.

۱۱. اگر کسی کاری کرد که امام زمان علیه السلام ناراحت شد، آیا دیگر حضرت به او نگاه نمی کنند و پاسخ او را نمی دهند؟

ارتباط تو با پدر و مادرت چگونه است؟ از این که دوستدار امام زمان علیه السلام هستی معلوم می شود که ارتباط خوب و صمیمی با پدر و مادر خود داری، چون می دانی که محبت و احترام به پدر و مادر، دستور قرآن است و امام زمان علیه السلام بسیار بر آن تأکید دارند، اما اگر حواست نبود و کاری کردی که پدر یا مادرت را ناراحت کردی چه اتفاقی می افتد؟

ممکن است لحظاتی از دست تو ناراحت شوند، ولی هر چه باشد شما فرزند و جگر گوشه آن ها هستید و در حالی که ممکن است در درون خود و قلب خود ناراحت باشند، اما زیاد به روی خود نمی آورند و با یک عذرخواهی کوچک شما، همه چیز درست می شود.

امام زمان علیه السلام از پدر و مادر بسیار مهربان تر است، از هر دوستی، صمیمی تر و رفیق تر است.

امام زمان علیه السلام همانند باران است که بر سر همه موجودات زمین می بارد و هر موجودی به اندازه خودش از آن رحمت خدایی استفاده و بهره می برد.

اما خدای ناکرده، اگر خطا و اشتباهی هم از روی نادانی و حواس پرتی اتفاق افتاد، دقت داشته باشیم که از امام زمان علیه السلام دور نشویم و دوباره برای جبران خطا و اشتباه نزد او برویم.

آیا درهایی را که چشم الکترونیکی دارند دیده‌ای؟

وقتی به آن نزدیک شوی و در مقابل آن قرار گیری در باز می‌شود. برای در، هیچ تفاوتی نمی‌کند چه کسی هستی و از کجا می‌آیی، کوچک هستی یا بزرگ، سفیدی یا سیاه، هر چه باشی به روی تو گشوده می‌شود. امام زمان علیه السلام نیز، هر کسی که به او رو کند، او را می‌پذیرد و آغوش خود را به روی او می‌گشاید، حتی آن‌هایی که به امامان علیهم السلام ظلم کرده بودند، وقتی از کار خود پشیمان می‌شدند و پیش آن‌ها می‌رفتند، امامان مهربان ما، آن‌ها پذیرفته و به آن‌ها کمک می‌کردند.

بنابراین، همه وقت و در هر حالی که هستیم باید به در خانه امام زمان علیه السلام برویم و از آن‌ها دور نشویم و اگر خدای ناکرده با انجام کاری آن حضرت علیه السلام را ناراحت کرده‌ایم در فکر جبران آن برآییم و کاری کنیم که موجب خوشحالی و رضایت آن حضرت علیه السلام شود.

۱۲. من از کجا بفهمم دوست امام زمان علیه السلام هستم و او نیز مرا دوست دارد؟

خوشا به حال آن‌ها که دوستان خوبی دارند و خوشا به آن‌ها که دوستان خوب خود را نگه می‌دارند، از این‌که به دنبال این هستی که با امام زمانت دوست باشی و دوستی و محبت او را نیز نسبت به خودت ایجاد کنی، خوشحال شدم.

امامان بزرگوار ما در گفتار و عمل، دوستی خود را ثابت کرده‌اند. امام رضا علیه السلام در این باره می‌فرمایند: امام، رفیق و همنشینی همیشگی و همراه است، او پدری مهربان، برادری واقعی، مادری نیکوکار به فرزند کوچک خود و پناهگاه مردم در مشکلات و مصیبت‌های بزرگ است.^۱

شما که امام زمان علیه السلام را دوست داری چقدر به یاد او هستی؟ اما ببین امام زمان علیه السلام چقدر به یاد ماست، ایشان می‌فرمایند: من هرگز شما را فراموش نمی‌کنم و به یاد شما هستم.^۲

بنابراین، قبل از این‌که ما رابطه دوستی و رفاقت را با او شروع کنیم،

۱. کافی، ج ۱، کتاب الحجة، ح ۱، ص ۱۹۸.

۲. احتجاج، ص ۱۷۵.

امام زمان علیه السلام دوستی، رفاقت و مراقب از ما را عهده‌دار شده است.
حال جای این پرسش است که من از کجا بفهمم دوست امام زمان علیه السلام
هستم؟

وقتی شما به برادر کوچک‌تر می‌گویید: داداش گلم دوستت دارم، او به تو
می‌گوید: اگر راست می‌گویی یک بستنی برایم بخر!
از این حرف معلوم می‌شود که برادر و یا خواهر کوچک شما هم این را
به خوبی می‌داند که دوستی، علاقه و عشق، علامت و نشانه دارد و نشانه
آن انجام عمل و کاری است.

بنابراین اگر تو دوستدار امام زمان علیه السلام هستی باید کارهایی انجام دهی
که امام زمانت آن را دوست دارد و از تو می‌خواهد و کاری را انجام ندهی
که امام زمان علیه السلام از آن ناراحت می‌شود

امام زمان علیه السلام نماز را دوست دارد و خود حضرت در حدیثی فرمودند:
هیچ چیز همانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد؛ بنابراین، وقتی
نماز می‌خوانی به محبت و دوستی امام زمان علیه السلام نزدیک می‌شوی و
همین‌طور هر وقت به پدر و مادر و معلم احترام می‌گذاری و هر وقت
مواظب زبان خود هستی که کسی را با حرف‌های ناراحت‌کننده یا غیبت
کسی را نگوئی یا هر کار خوب دیگری که هر چه بزرگ‌تر می‌شوی آن را
یاد می‌گیری و عمل می‌کنی، همه این‌ها نشانه این است که امام زمانت
را دوست داری.



خلاصه برای این که بدانیم چقدر امام زمان علیه السلام ما را دوست دارد، باید ببینیم که امام زمان علیه السلام چقدر در زندگی ما جا باز کرده است. آیا من به عنوان یک دانش آموز که منتظر امام زمان علیه السلام هستم، هر کس به رفتار و کردار من نگاه کند آیا من، رنگ و بوی امام زمان علیه السلام را می‌دهم؟ آیا مراقبت، توجه، خوش اخلاقی و خوش رفتاری را در من مشاهده می‌کند؟ آیا وقتی دیگران به من نگاه می‌کنند، دوستدار امام زمان علیه السلام می‌شوند یا نه؟

نکته پایانی این که اگر دانش آموزی تکلیف‌های خود را به موقع انجام دهد و در درس خواندن تلاش و فعالیت داشته باشد و احترام معلم و هم‌کلاسی‌ها و اطرافیان را داشته باشد، معلوم است که معلمش از دست او راضی است و او را دوست دارد. امام زمان علیه السلام بهترین معلم است، سعی کنیم ما هم بهترین دانش آموز برای او باشیم.

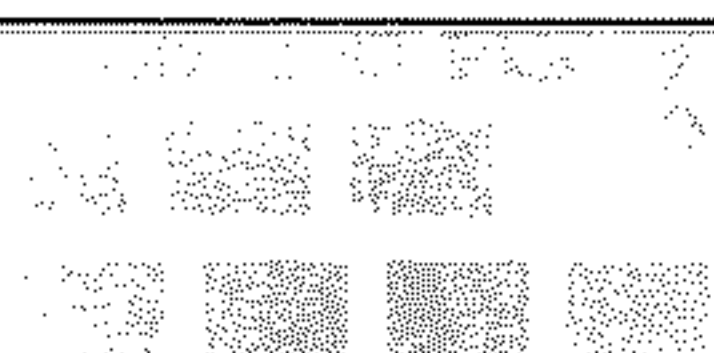


۱۳. اگر کسی را که امام زمان علیه السلام را دوست دارد، خوشحال کنم، آیا امام زمان علیه السلام خوشحال می‌شوند؟

شاید بارها شده کاری انجام داده‌ای که هم‌کلاسی و دوستت را خوشحال کرده‌ای و این بسیار خوب است. مثلاً دوستت چند روز مریض شده و نتوانسته به کلاس بیاید و از کلاس عقب مانده، تو به او کمک می‌کنی تا خودش را به کلاس برساند و او خوشحال می‌شود و یا مهمان به خانه شما آمده و تو به پدر و مادرت کمک می‌کنی تا سریع‌تر کارها را انجام دهند و آن‌ها را خوشحال می‌کنی یا کسی دنبال آدرسی می‌گردد و حسابی خسته شده است و شما او را راهنمایی می‌کنید و کارهای خوب بسیار دیگری که شما انجام می‌دهی و دیگران را خوشحالی می‌کنی، همه این‌ها موجب خوشحالی خدا و امام زمان علیه السلام می‌شود، چون خوشحال کردن مومنان و بندگان خوب خدا، سفارش اسلام عزیز است.

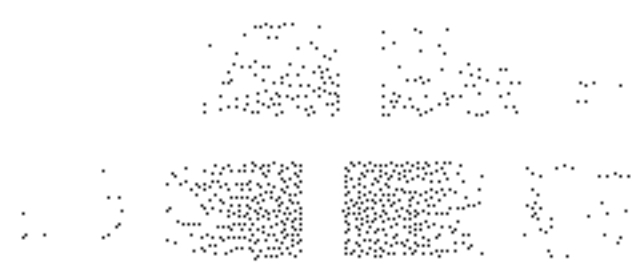
اگر کسی برادر یا خواهر کوچک شما را خوشحال کند، خوشحال نمی‌شوی و از کسی که این کار را کرده تشکر نمی‌کنی؟

دوستان و دوستداران امام زمان علیه السلام نیز همین‌گونه هستند، وقتی شما یکی از آن‌ها را خوشحال کنی، امام زمان علیه السلام را خوشحال کرده‌ای.



داستان دوستان امام زمان علیه السلام با ایشان مانند داستان چاله آبی در همسایگی دریاست که از طریق جویی هر کدام از این چاله‌ها به دریا وصل‌اند. اگر کاسه آبی از این چاله آب بردارید یا به آن اضافه کنید این کم کردن یا اضافه کردن به خاطر ارتباطی که چاله آب با دریا دارد به دریا منتقل می‌شود.

وقتی شما یکی از دوستان امام زمان علیه السلام را خوشحال کنی، از طریق ارتباطی که با امام مهدی علیه السلام دارد، خوشحالی او به امام زمان علیه السلام منتقل می‌شود به غیر از آن که خودت نیز به خاطر ارتباطی که با حضرت علیه السلام داری این کار خوب تو نیز به حضرت علیه السلام منتقل می‌شود.



۱۴. آیا من می‌توانم از یاران امام زمان علیه السلام باشم؟

این که آرزو داری در صف یاران امام زمان علیه السلام باشی، بسیار آرزوی قشنگ و زیبایی است، اما این را بدان که برای هر فکر و آرزوی بزرگی باید زحمت و تلاش کرد.

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

اولین نکته در یاری حضرت مهدی علیه السلام این است که بدانی کار بزرگی می‌خواهی انجام دهی؛ بنابراین، باید برنامه‌ریزی می‌کنی و خود را برای آن یاری بزرگ بسازی.

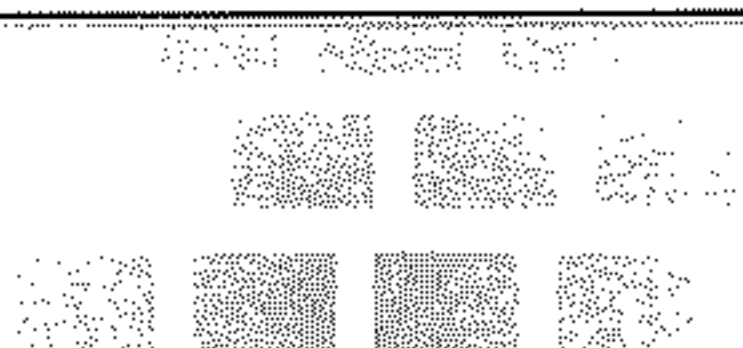
فلزی که در ساخت ماشین استفاده می‌شود با فلزی که در ساخت هواپیما استفاده می‌کنند کاملاً متفاوت است.

فلزی که در هواپیما استفاده می‌شود، بسیار مقاوم و سبک است و با دقت بسیار ساخته می‌شود، اما در ماشین این‌طور نیست، فکر می‌کنی علت آن چیست؟

این مطلب روشن است که هواپیما برای هدفی بزرگ‌تر از ماشین ساخته می‌شود و در فضایی خیلی بالاتر از ماشین حرکت می‌کند و اگر دقت در مواد و ساخت آن نشده باشد و در وسط آسمان عیب پیدا کند و خراب شود چه باید کرد؟

اما ماشین اگر در جاده خراب شد، آن را به کناری می‌برند و درست می‌کنند.
کسی که می‌خواهد یار امام زمان عجل الله تعالی فرجه شود باید مواد و فلزی همانند فلز
به کار رفته در هواپیما داشته باشد، چون برای هدف بزرگ و الهی و
جهانی حرکت می‌کند.

همان‌طور که می‌دانید یک هواپیمای بزرگ از تکه‌های کوچکی که به
هم وصل شده‌اند قسمتی از هواپیما را درست کرده‌اند و این قسمت‌ها به
هم وصل می‌شوند و در نهایت هواپیمایی بزرگ را می‌سازند که هر کدام
از این تکه‌های کوچک باید محکم و سالم باشند تا آن قسمت نیز سالم و
صحیح باشد، و در نهایت، هواپیمایی سالم و محکم ساخته شود. منظورم
از این توضیحات این است که من به عنوان یک دانش‌آموز منتظر اگر
بخواهم از یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه بشوم باید وظایف و مسئولیت‌هایی که بر
عهده من است به خوبی انجام دهم، از هم اکنون اهل عبادت و انجام
تکالیف خود باشم، همانند قطعه‌ای کوچک در هواپیما که باید محکم و
سالم باشد؛ هم‌چنین در خانواده، بیشتر از دیگران به پدر و مادر و اطرافیان
خود احترام بگذارم تا بتوانم در ارتباط با دیگران و جامعه هم، اهل تعاون و
همکاری و کمک به دیگران باشم و اگر توانستم دیگران را نیز راهنمایی
نمایم تا آن شاء الله با کمک هم دیگر بتوانیم خانواده‌ها و جامعه‌ای مهدوی
و منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه داشته باشیم.



۱۵. آیا هر روز باید به یاد امام زمان علیه السلام باشیم یا فقط جمعه‌ها؟

همه شما می‌دانید که خورشید ثابت است و زمین به دور خورشید می‌گردد و هر طرف از زمین که رو به خورشید کند از نور خورشید استفاده می‌کند و نورانی می‌شود و به اصطلاح روز است، اما آن قسمت از زمین که پشت به خورشید است از نور خورشید، خودش را محروم کرده و تاریک بوده و به اصطلاح شب است؛ بنابراین، آن قسمت از زمین که شب است و تاریک و سرما، تقصیر خورشید نیست، بلکه به خاطر خود زمین است که پشت به خورشید کرده است و گر نه خورشید نورافشانی و گرمایش را بر همه موجودات پخش می‌کند و هیچ موجودی را فراموش نمی‌کند، این موجودات هستند که یا دور خود دیوار می‌کشند که نور به آن‌ها نرسد یا این قدر فاصله می‌گیرند که نور بسیار ضعیفی به آن‌ها می‌رسد یا اصلاً پشت به خورشید می‌کنند.

امام زمان علیه السلام همانند خورشید هستند که هیچ وقت ما را فراموش نمی‌کنند و از یاد نمی‌برند؛ بنابراین، ما هم اگر دوست داریم همیشه نورانی و اهل خوبی‌ها باشیم باید همیشه رویمان به سوی او باشد و او را فراموش نکنیم؛ بنابراین، توجه به حضرت علیه السلام فقط مخصوص روزهای

جمعه و در دعای ندبه نیست، بلکه هر روز و هر ساعت باید حواسمان به آن حضرت علیه السلام باشد. آن‌هایی که از حضرت امام مهدی علیه السلام دور می‌شوند یا به او توجه نمی‌کنند، گرفتار ظلمت و تاریکی و گناه می‌شوند و شیطان به سراغ آن‌ها می‌آید.

انسان منتظر و عاشق امام زمان علیه السلام مثل گل آفتاب‌گردان است که همیشه و پیوسته رو به طرف خورشید دارد، او نیز همیشه و در هر حالی به یاد امام زمانش می‌باشد و رو به سوی او دارد و همانند کودکی که امنیت و سلامت و سعادت خود را در کنار پدر و مادر بودن خود می‌داند، به همان شکل، سعادت و خوشبختی خود را در دنیا و آخرت در کنار و به یاد امام زمان علیه السلام بودن می‌داند و عاشق او می‌باشد و فراموشش نمی‌کند.

۱۶. چرا بعضی‌ها به حرف امام زمان علیه السلام گوش نمی‌دهند؟

زندگی ما انسان‌ها مثل جاده‌ای است که پر است از پیچ و خم‌های کوچک و بزرگ. کسی که در این مسیر و جاده قدم می‌گذارد باید خبر از پیچ و خم‌های آن داشته باشد و گرنه راه را گم خواهد کرد و به بیراهه خواهد رفت و ممکن است بعضی انسان‌ها دیگر فرصت برگشت به راه اصلی و درست را پیدا نکنند.

خداوند مهربان برای این که انسان‌ها راه را گم نکنند و در راه مستقیم حرکت کنند و پرتگاه‌های آن را بدانند قرآن و اهل بیت علیهم السلام را نشانه‌های این راه قرار داده است تا با نگاه کردن به آن‌ها مسیر و جاده صحیح را تشخیص دهند و سالم و سلامت به منزل برسند، همانند تابلوها و علائم راهنمایی و رانندگی که در جاده‌ها قرار می‌دهند که هر کدام به شکلی راننده را کمک می‌کند که از جاده‌ای که در آن رانندگی می‌کند، خبر داشته باشد، اگر در جلوی او پیچ خطرناکی است قبل از رسیدن راننده به آن‌جا، تابلویی قرار داده شده که به او می‌گوید سرعت خود را کم کند و حواسش جمع باشد یا اگر جاده لغزنده باشد، به او آگاهی می‌دهد.

حال این پرسش را از شما می‌پرسم: با اینکه این تابلوها و علائم



رانندگی در جاده است، پس چرا این قدر تصادف می‌شود؟
پاسخ آن مشخص است، این تابلوها برای کسی که به آن نگاه کند و عمل کند موجب راهنمایی و هدایت اوست، اما کسی که پایش را روی گاز ماشین گذاشته و به تابلوها و علائم اصلاً نگاه نمی‌کند و حتی شاید کسانی را هم که رعایت می‌کنند مسخره کند، دیگر فایده‌ای ندارد، این است که هم خودش تصادف می‌کند و هم دیگران را به زحمت می‌اندازد.
امامان قبلی ما و امام مهدی علیه السلام، پرچم‌ها و تابلوهای هدایت و راهنمایی در مسیر زندگی انسان‌ها هستند، برای کسی که دوستدار هدایت و حرکت در مسیر و جاده خداوند باشد و همان‌گونه که بعضی راننده‌ها دوست دارند سرعت غیرمجاز بروند و به تابلوها و علامت‌ها دقت نکرده و به حرف پلیس راهنمایی گوش نمی‌کنند، بسیاری مردم نیز با این که امامان ما می‌خواهند آن‌ها را راهنمایی و کمک کنند تا راه سعادت و خوشبختی و بهشت را بروند، اما به حرف امامان گوش نمی‌دهند و راه شیطان که راه ظلم و ستم کردن به دیگران و غارت مال مردم و غیبت و تهمت زدن به آن‌هاست را می‌روند و همانند رانندگانی که با سرعت غیرمجاز و غیر قانونی رانندگی می‌کنند و سرانجام یا تصادف می‌کرده یا در کوه و دره‌ای سقوط می‌کنند، این‌ها هم سرانجام با حالت گناه و دوری از خدا در جهنم سقوط می‌کنند.



۱۷. چرا امام زمان علیه السلام تا کنون ظهور نکرده است؟

این که دوست داری امام زمانت هر چه زودتر ظهور کند، خیلی خوب است و معلوم می شود دوستدار خوبی ها هستی، اما این که امام زمان علیه السلام زودتر بیاید ما نقش مهمی در ظهور آن حضرت داریم، ما هستیم که باید مقدمات و زمینه های ظهور او را فراهم کنیم.

شاید دیده باشی بعضی هواپیماها کوچک هستند، مانند هواپیماهای سم پاشی که برای سم پاشی و از بین بردن آفت ها در مزرعه ها استفاده می شود که برای بلند شدن از زمین یا فرود آمدن آن، در کنار مزرعه یک باند مثلاً دویست متری برای آن می سازند که همین اندازه باند برای فرود آن کافی است؛ اما اگر هواپیما خیلی بزرگ باشد چطور؟

حتماً خواهید گفت برای فرود آن هواپیما یک باند فرود چند کیلومتری محکم، مطمئن و مستقیم می خواهد تا به سلامت بر زمین بنشیند.

این مثال را بدین جهت بیان کردم که بدانی ظهور امام زمان علیه السلام همانند نشستن و فرود آن هواپیمای بزرگ است که باید زمینه ها و بستر ظهور آن حضرت فراهم شود که قسمتی از این به دست ماهاست که یارانی فداکار و نیکوکار و صالح شویم تا زمینه ظهور جهانی آن حضرت علیه السلام فراهم



گردد.

ما باید سعی کنیم از گناهان که ظهور امام مهدی علیه السلام را به تأخیر می‌اندازد، دوری کنیم و هم خودمان اهل خوبی‌ها باشیم و هم دیگران را به خوبی‌ها دعوت کنیم و زیاد برای ظهورش زیاد دعا کنیم که خود امام زمان علیه السلام فرمودند: «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ لِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ»^۱ یعنی برای هر چه زودتر آمدن من، بسیار دعا کنید.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۱، ح ۴۹.

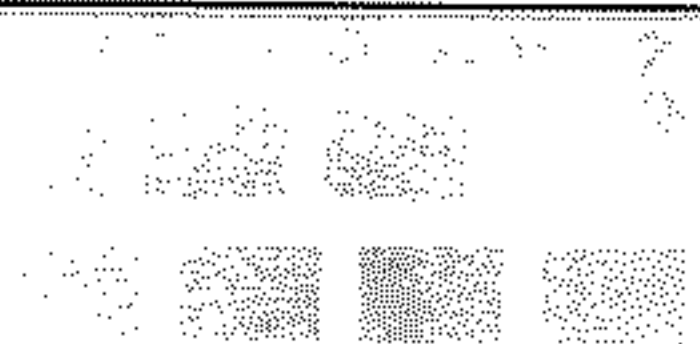


۱۸. آیا ممکن است کسی امام زمان علیه السلام را دوست نداشته باشد
و از ظهور او ناراحت شود؟

چه قلب باصفا و مهربای داری، خدا کند هرچه بزرگ‌تر می‌شوی قبلت
باصفاتر و نورانی‌تر شود و امام زمان علیه السلام به داشتن شیعیان و یارانی مانند
تو، بر فرشتگان به خود ببالد و بر خود افتخار کند.

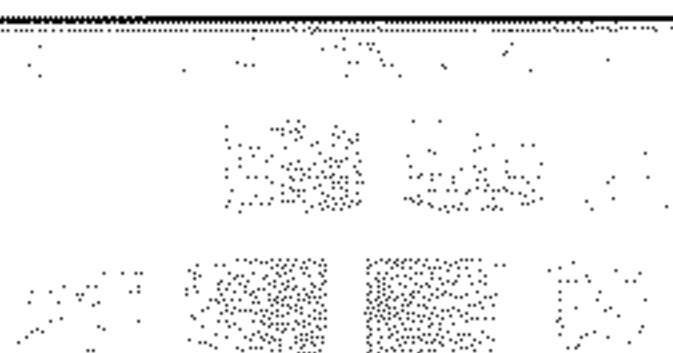
این که پرسیده‌ای آیا ممکن است امام زمان علیه السلام را کسی دوست نداشته
باشد، این پرسش از این جهت برای پیش آمده که به قلب نازنین و گل
خودت نگاه می‌کنی که به نظرت خیلی تعجب دارد که کسی، نازنینی مثل
امام زمان علیه السلام را که نفع او مانند خورشید به همه می‌رسد و با همه مهربان
است را دوست نداشته باشد، اما دوست خوبم این را بدان که بعضی آن
قلب پاک و گلستانی و معطر تو را ندارند، برای این که بهتر مطلب را
متوجه شوی به این مثال دقت کن:

خورشید بر تمام موجودات زمین می‌تابد و نورش را به همه می‌رساند، حال این
نور خورشید اگر بر گلی یا گلستانی بتابد شما فکر می‌کنید چه اتفاقی می‌افتد؟
درست است، بوی گل، تمام فضا و هوای اطراف گل و باغ را عطرآگین
خواهد کرد، اما اگر جایی آشفالی ریخته شده باشد و نور خورشید بر آن



بتابد چه اتفاقی می‌افتد؟

بله، هر چه خورشید بیشتر بر آن بتابد بوی بد آن بیشتر می‌شود. بنابراین، اگر کسی همانند تو، قلبی داشته باشد که پر است از خوبی‌ها و صفات نیک که وجودش را همانند گلستانی کرده، مشخص است امام زمان علیه السلام که بر آن بتابد، معطر و نورانی شده و حتی نیکی‌ها و صفات خوب در آن هم که غنچه بوده، باز می‌شود و رو به خورشید می‌کند. اما اگر کسی قلب خود را همانند سطل زباله، پر از گناه و ظلم کرده باشد، مانند سران اسرائیلی و آمریکایی، معلوم است که از ظهور امام زمان علیه السلام ناراحت می‌شوند، چون حضرت مهدی علیه السلام هویت و حقیقت آن‌ها را آشکار خواهد کرد و بوی بد آن‌ها را تمام جهانیان خواهند فهمید، به همین خاطر، آن‌ها هم امام زمان علیه السلام را دوست ندارند. ظهور امام زمان علیه السلام همانند طلوع خورشید است، چه کسانی از طلوع خورشید ناراحت می‌شوند؟ کسانی که می‌خواهند از تاریکی شب استفاده کنند و مال مردم را بدزدند و یا خفاش صفت‌هایی که تاریکی شب را وسیله شکار خود قرار می‌دهند، این چنین افرادی از طلوع خورشید، چون پایان کارشان است ناراحت می‌شوند، بدین خاطر که می‌دانند امام زمان علیه السلام با همه ستمگران و ظالمان مبارزه می‌کند و مردم محروم و بیچاره را از دست آن‌ها نجات می‌دهد، از ظهور و آمدن او ناراحت می‌شوند.



۱۹. خیلی دوست دارم امام زمان علیه السلام ظهور کنند، آیا خود آن حضرت علیه السلام نیز دوست دارند ظهور کنند؟

آیا تا به حال شده است که یک روز صبح به امام زمانت به عنوان پدر سلام کنی؟

شاید تعجب کنی که چرا این سؤال را پرسیدم! اما تعجب نکن، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: من و علی دو پدر برای این امت هستیم. امام زمان علیه السلام نیز همانند اجدادشان همانند پدری مهربان برای ما هستند، به همین خاطر از فردا صبح یا هر موقع دیگر می‌توانی به امام زمان علیه السلام به عنوان پدر سلام کنی و با هر لقب از آن حضرت علیه السلام را که دوست داری با همان لقب به او سلام دهی.

بگویی: السلام علیک یا بقیة الله.

وقتی امام زمان علیه السلام را مثل پدر دانستی، او را از خودت جدا نمی‌دانی و میان خود و او فاصله احساس نمی‌کنی و اگر این رابطه و پیوند زیاد شود و ادامه یابد هر چه او دوست داشته باشد، تو نیز دوست داری و هر چه را او دوست ندارد تو نیز دوست نخواهی داشت.

پس این که پرسیده‌ای امام زمان علیه السلام همانند من دوست دارد ظهور کند

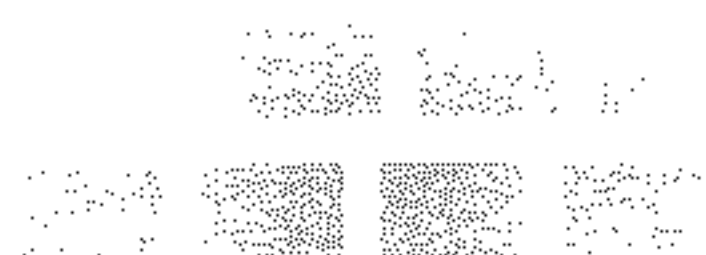


یا نه؟ می‌خواهم به تو بگویم که اول او دوست دارد که ظهور کند که تو نیز دوستدار این شده‌ای که امامت هر چه زودتر ظهور کند، یعنی او بیشتر از تو منتظر ظهور است.

اعضای خانواده‌ای که می‌خواهند به مهمانی بروند، پدر زودتر از همه لباس و کفش خود را می‌پوشد و آماده می‌شود و ماشین را روشن می‌کند و سرکوچه منتظر آمدن بچه‌هایش می‌شود، اما در خانه یکی از بچه‌ها دنبال کفشش می‌گردد، دیگری دنبال جوراب است و....

در اینجا پدر آماده و منتظر آمدن بچه‌هایی است که هنوز آماده نشده‌اند. پس ای عزیز بدان که امام زمانت آماده آمده برای ظهور است.

خدای مهربان برای هدایت و سعادت مردم، پیامبران و امامان را به میان مردم می‌فرستد و دوست دارد که آن‌ها در میان مردم حضور داشته باشند، نسبت به حضور امام زمان علیه السلام نیز چنین است و همان‌طور که خود انبیا و امامان نیز دوست داشتند در جمع مردم باشند و آن‌ها را هدایت کنند و راه سعادت و خوشبختی را به آن‌ها نشان دهند و با این‌که مردم بسیار آن‌ها را آزار و اذیت می‌کردند با این حال در میان مردم بودند، امام زمان علیه السلام نیز دوست دارند خداوند اجازه ظهور به ایشان بدهند و به صورت عادی مانند امامان دیگر در میان مردم باشند و با مردم گفتگو و صحبت نمایند و با کمک آن‌ها حکومت عدل مهدوی را در سرتاسر جهان اجرا نمایند و همان‌گونه که گفته شد ما هم باید برای ظهور او بسیار دعا



کنیم و افزون بر دعا، باید خود را برای ظهور آن حضرت آماده کنیم.



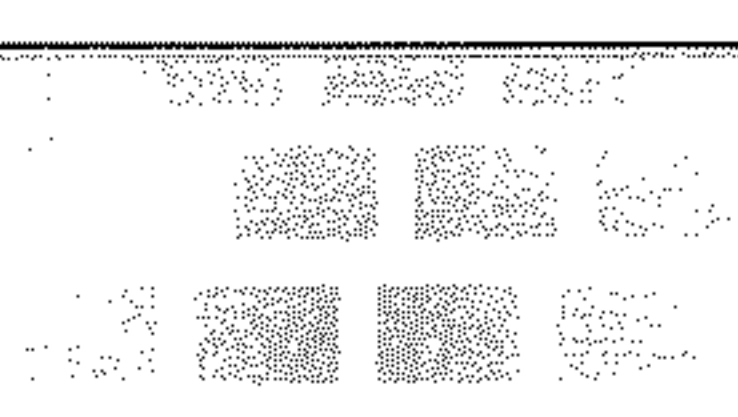


۲۰. برنامه‌های امام زمان علیه السلام هنگام ظهور چیست و چه کارهایی انجام می‌دهند؟

از صفات و ویژگی‌هایی که یک شیعه و دوستدار امام زمان علیه السلام باید داشته باشد، اهمیت دادن به علم و دانش است. یعنی امام زمان علیه السلام دانش‌آموزی که در راه یادگیری علم و دانش، کوشش می‌کند را بسیار دوست دارد، به ویژه اگر این تلاش در راه یادگیری قرآن باشد. دانش‌آموزان عزیز، قرآن کتاب درسی همه انسان‌ها و ما مسلمان‌هاست که همه باید آن را یاد بگیرند و به آن عمل کنند، اما چه کسی می‌تواند به طور کامل قرآن را به ما آموزش دهد؟

شما در کلاس درس دو چیز می‌بینید: یکی معلم و دیگری کتاب. اگر دانش‌آموزان به مدرسه بروند و کتاب نداشته باشند، معلم نمی‌تواند درس بدهد و همه به طور مساوی و یکنواخت درس را متوجه شوند و همچنین اگر کتاب باشد ولی معلم نباشد، چیزی از درس نمی‌فهمند، پس برای کلاس، هم معلم لازم است و هم کتاب.

آیا قرآن که کتاب درسی ما مسلمان‌هاست، به معلم نیاز ندارد؟ مشخص است هر کتاب درسی را که کسی یا گروهی برای



دانش آموزان نوشته‌اند، به معلم نیاز دارد تا آن را درست و هماهنگ به دانش آموزان بیاموزند، حال چطور قرآن که کتاب خداست، به معلم نیاز نداشته باشد.

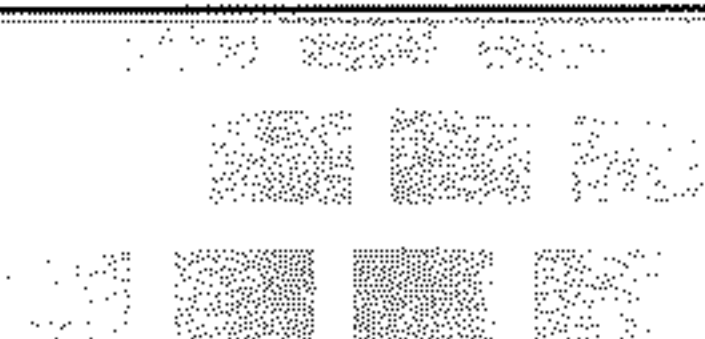
امامان ما، چون نزدیک‌ترین انسان‌ها به خدا هستند، معلم کتاب خدا یعنی قرآن می‌باشند؛ بنابراین، اولین معلم قرآن، خود پیامبر ﷺ بودند و به همین ترتیب بعد از پیامبر ﷺ امامان علیهم‌السلام، قرآن را به مردم یاد دادند. ظهور امام زمان ﷺ یعنی دوباره این معلم سرکلاس می‌آید و برنامه‌های قرآن را به طور یک‌نواخت و هماهنگ به همه آموزش می‌دهد؛ بنابراین، یکی از برنامه‌های امام زمان ﷺ هنگام ظهور، بیان و آموزش دستورهایی قرآن برای همه است.

دوستان عزیز، الان قرآن در متن زندگی ما نیست و آن را فراموش کرده‌ایم. هنگامی که امام زمان ﷺ ظهور می‌کنند قرآن را از غربت و تنهایی و فراموشی در می‌آورند و در مسجدها، چادرهایی زده می‌شود که در آن قرآن را آموزش می‌دهند و مردم به آن عمل می‌کنند.

اخلاق زشت و پست از جامعه دور می‌شود و مردم دارای اخلاق خوب و کامل می‌شوند. انسان‌ها براساس عقل رفتار می‌کنند و از جهل و نادانی خارج می‌شوند و امام زمان ﷺ مردم را از علم و دانایی بهره‌مند می‌سازد. علم و دانش ۲۷ حرف است که آن‌چه همه پیامبران آورده‌اند، تنها دو حرف آن است و امام زمان ﷺ ۲۵ حرف دیگر را می‌آورد و میان مردم

گسترش می‌دهد.

از آسمان باران می‌بارد و زمین گیاهانش را می‌رویاند و تمام گنج‌های
زمین آشکار می‌گردد و دیگر هیچ فقیر و نیازمندی وجود ندارد.
همه جا آباد و سرسبز شده و ریشهٔ ظلم و ستم کنده می‌شود و هیچ‌کس
به دیگری ظلم نمی‌کند و دوستی واقعی و حقیقی در آن زمان می‌باشد و
همه در امنیت و سلامتی و به دور از بیماری‌ها در سلامت و تندرستی
زندگی می‌کنند.



پرسش‌های سه گزینه‌ای

۱. نقش امام در جامعه همانند نقش..... در بدن است.
الف: قلب ب: دست ج: پا
۲. امام زمان علیه السلام همانند کدام پیامبر مخفیانه به دنیا آمد؟
الف: زکریا علیه السلام ب: سلیمان علیه السلام ج: موسی علیه السلام
۳. امام زمان علیه السلام در چند سالگی به امامت رسیدند؟
الف: چهار سالگی ب: پنج سالگی ج: نه سالگی
۴. کدام یک از امامان همانند امام زمان علیه السلام در کودکی به امامت رسیدند؟
الف: امام جواد علیه السلام ب: امام هادی علیه السلام ج: الف و ب
۵. مقام امامت توسط چه کسی تعیین و انتخاب می‌شود؟
الف: خدا ب: مردم ج: انتخابات
۶. کدام یک از پیامبران در کودکی به پیامبری رسیدند؟
الف: ابراهیم علیه السلام و اسحاق علیه السلام ب: ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام
ج: عیسی علیه السلام و یحیی علیه السلام
۷. کدام پیامبر مدتی از دیدگان اطرافیان غایب شد؟
الف: یوسف علیه السلام ب: زکریا علیه السلام ج: نوح علیه السلام



۸. کدام پیامبر در فراق و دوری فرزندش که او نیز پیامبر بود، بینایی چشم خود را از دست داد؟

الف: یعقوب علیه السلام ب: یوسف علیه السلام ج: ایوب علیه السلام

۹. چه چیز میان یعقوب علیه السلام و یوسف علیه السلام جدایی انداخت؟

الف - ظلم و ستم برادرانش ب: دشمنان ج: خود یوسف علیه السلام دوست داشت

۱۰. خطا و اشتباه گذشتگان یکی از دلایل امام زمان علیه السلام می باشد.

الف: حکومت ب: غیبت ج. امامت

۱۱. امام زمان علیه السلام در زمان غیبت به تشبیه شده است.

الف: ماه شب چهارده ب: باد بهاری ج: خورشید پشت ابر

۱۲. بهترین عمل در زمان غیبت امام مهدی علیه السلام چیست؟

الف: دعا کردن ب: انتظار فرج ج: صدقه دادن

۱۳. امام زمان علیه السلام در طول عمر شبیه کدام پیامبر است؟

الف: ابراهیم علیه السلام ب: سلیمان علیه السلام ج: نوح علیه السلام

۱۴. حدیث از کدام امام علیه السلام است؟ امام، رفیق و همنشینی همیشگی و همراه

است، او پدری مهربان و برادری واقعی است.

الف: امام علی علیه السلام ب: امام حسین علیه السلام ج: امام رضا علیه السلام

۱۵. این حدیث از کیست؟ من هرگز شما را فراموش نمی کنم و به یاد شما

هستم.

الف: امام مهدی علیه السلام ب: امام حسن علیه السلام ج: امام جواد علیه السلام





۱۶. به فرموده امام زمان علیه السلام چه عملی، بینی شیطان را به خاک می‌مالد؟

الف: روزه ب: حج ج: نماز

۱۷. رابطه انسان منتظر با امام زمان علیه السلام همانند..... به خورشید است.

الف: گل آفتاب‌گردان ب: گل نرگس ج: گل لاله

۱۸. امام مهدی علیه السلام همانند..... هدایت و راهنمایی در مسیر زندگی انسان‌هاست.

الف: پرچم ب: ماه ج: درخت

۱۹. چه چیز ظهور امام زمان علیه السلام را به تأخیر می‌اندازد؟

الف: کارهای خوب ب: گناهان ج: پیشرفت علم

۲۰. برای ظهور جهانی امام زمان علیه السلام نیاز به..... است.

الف: یارانی فداکار و صالح ب: پیشرفت علم

ج: ظالمان و ستمگران

۲۱. چه کسانی از ظهور امام زمان علیه السلام ناراحت می‌شوند؟

الف: مردم فقیر و مستضعف ب: مردم مسیحی و یهودی

ج: ظالمان و ستمگران

۲۲. علم و دانش ۲۷ حرف است، چند حرف از آن در زمان ظهور امام زمان علیه السلام آشکار می‌شود؟

الف: ۲۵ ب: ۲ ج: ۱۴



- ((پاسخنامه)) -

الف	ب	ج	
			۱
			۲
			۳
			۴
			۵
			۶
			۷
			۸
			۹
			۱۰
			۱۱
			۱۲
			۱۳
			۱۴
			۱۵
			۱۶
			۱۷
			۱۸
			۱۹
			۲۰
			۲۱
			۲۲

